



## گفتاری پیرامون مسئولیت مدنی در برابر خسارات هسته‌ای در قواعد و قوانین داخلی با رویکرد پیوستن کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین

مرتضی محمدحسینی طرّقی<sup>۱\*</sup>، حمید رشیدی<sup>۲</sup>

۱. سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران-ایران  
۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، صندوق پستی: ۳۸۸۱۵-۱۷۱، استان مرکزی-ایران

**چکیده:** نیاز روز افزون به انرژی هسته‌ای در امور گوناگون به ویژه برای تولید برق در کنار سایر منابع نیرو، از یک سو و احتمال وقوع حوادث هسته‌ای در نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای (علی‌رغم ایمنی فوق‌العاده این تأسیسات) از سوی دیگر و ضرورت جبران خسارت ناشی از این گونه حوادث، که محدوده‌ی جغرافیایی یک کشور را هم نمی‌شناسد، در عصر کنونی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از منظر حقوقی، اگر چه در کشور ما در این زمینه تا حدودی قواعد کلی و قواعد قدیمی وجود دارد، اما پاسخگویی مسائل مربوط به جبران خسارات هسته‌ای و رسیدن به یک اجماع فراگیر در زمینه‌ی هماهنگ‌سازی قوانین مسئولیت مدنی همسایگان و سایر کشورها نیست؛ بنابراین به نظر میرسد کشور ناگزیر است برای شناسایی مسئول جبران خسارت هسته‌ای، تعیین میزان مبلغ حداقلی برای این مسئولیت، پوشش بیمه‌ای و غیره، حسب صلاحدید به یکی از کنوانسیون‌های مربوطه ملحق گردد. در این راستا، حال که بحث پیوستن جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای» در دستور کار سازمان انرژی اتمی ایران و دولت قرار دارد، مقاله حاضر با تدقیق در مفاد کنوانسیون یاد شده از یک طرف و بررسی منابع فقهی خود از سوی دیگر، به این نتیجه رسیده که هرچند با الحاق به کنوانسیون مذکور، مسئولیت مطلق بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای، پوشش بیمه‌ای و عدم تبعیض به نحوی پذیرفته خواهد شد، اما این کافی نبوده و حتی در خود کنوانسیون مذکور هم تدوین قانون ملی را در مواردی پیش‌بینی و مطرح می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** مسئولیت مدنی هسته‌ای، جبران خسارت هسته‌ای، کنوانسیون وین، جان، مال، نیروگاه، تأسیسات هسته‌ای

## Study on Civil Liability for Nuclear Damage in the Rules and Internal Laws Considering the Accession of Country to the 1963 Vienna Convention

M. Mohammad Hosseiny Targhi<sup>\*1</sup>, H. Rashidi<sup>2</sup>

1. AEIOI, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran  
2. Islamic Azad University Khomain, P.O.Box: 38815-171, Central Province-Iran

**Abstract:** The increasing need for nuclear power in various fields, especially for power generation, along with other sources of energy, from one side' and Probability of nuclear incidents in nuclear power plants and facilities (Despite High level safety of this facilities) 'On the other hand, the need to compensate for such incidents, which is not limit to geographical scope of one country, would be inevitable in the current era. From a Legal Perspective 'Although in our country there are some general rules on civil liability, but they are not appropriately enough and effective the issues of nuclear damage and making comprehensive consensus on the harmonization of the Civil liability of neighboring and others Countries. Therefore, the country, in accordance with the discretion of one of the relevant conventions, should identify a nuclear liability responsible, provide the minimum amount of liability for this liability, insurance coverage, etc... In this regard, while the issue of acceding of the Islamic Republic of Iran to the 1963 Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage is on the agenda of the Atomic Energy Agency and the Government the present article has analyzed although liability of the operator for nuclear damage, insurance coverage and non-discrimination will be accepted in some way. But it is not enough, and as provided in the convention, a special national law should be drafted and approved.

**Keywords:** Nuclear Civil Liability, Nuclear Compensation, Vienna Convention, Life, Property, Power Plant, Nuclear Facilities

\*email: mmhosseinitarghi@gmail.com



## ۱. مقدمه

می‌شود، از قواعد اتلاف و تسبیب استفاده شده است. به علاوه و مهم تر اینکه براساس اصل ۴ قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی، و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است. بر اساس اصل ۴۰ همین قانون: هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. به علاوه حدیث پیامبر صلی ... علیه و آله: لاضرر و لا ضرار فی الاسلام گویای این اصل و قاعدهی لاضرر است.

در بخش دوم، از مواردی سخن خواهیم گفت که در قوانین مربوط از جمله قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، در خصوص مسئولیت مدنی و ضمان قهری به طور عام بحث کرده‌اند و از آن‌ها می‌توان تا حدودی احکام و قواعد مسئولیت مدنی هسته‌ای به عنوان شاخه‌ای از مسئولیت مدنی را استخراج و استنباط کرد. زیرا در شرایط کنونی که کشور به هیچ یک از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی نیبوسته و قانون ملی در این زمینه تهیه و تصویب نشده است، ناگزیر برای شناسایی و تعیین مسئول جبران خسارت هسته‌ای باید به قوانین و قواعد عام مسئولیت مدنی مراجعه کرد. در این راستا حسب مورد به قوانین و مقرراتی چون مجازات اسلامی، قانون دریایی، قانون حفاظت در برابر اشعه پرداخته خواهد شد.

در بخش آخر، ابتدا به برخی از مبانی مسئولیت از لحاظ نظری پرداخته، و دیدگاه‌های حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی از قبیل نظریه‌ی تقصیر، ایجاد خطر و تضمین حق، بیان خواهد شد و سپس برخی از مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای<sup>(۱)</sup> در رابطه با این نظریات و مبانی و منابع مسئولیت در فقه و قوانین و مقررات جاری کشور بیان، تجزیه و تحلیل و مقایسه خواهد شد. چرا که از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز اساسی کشور به ایجاد واحدهای نیروگاه‌های هسته‌ای مطرح بوده، و حتی در ماده‌ی ۱۳۵ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم و توسعه، تدوین برنامه بیست ساله‌ی تولید برق از انرژی هسته‌ای پیش بینی شده است و از این‌رو، خلأهای قانونی و کاستی‌های

در یک تقسیم بندی می‌توان مسئولیت را به قراردادی و قهری تقسیم نمود. در نوع نخست اگر قراردادی بین طرفین بسته شود و یکی (یا هر دو) آن‌ها قرارداد را با انجام ندادن تعهد و یا تأخیر در انجام آن نقض و موجب ورود خسارت به طرف دیگر شود، پیمان شکن، مسئولیت قراردادی در قبال طرف دیگر دارد و باید حسب مورد، تعهد را انجام و یا از عهده‌ی خسارت ناشی از تعهد برآید که ممکن است میزان این خسارت در قرارداد پیش‌بینی و تصریح شود یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد. به هر رو این قسم تعهد ریشه‌ی قراردادی داشته و مسئولیت از آثار چنین پیمانی است. بنابراین این نوع تعهد و مسئولیت از حوزه‌ی بحث ما خارج است.

نوع دیگر مسئولیت که در قانون مسئولیت مدنی (مصوب سال ۱۳۳۹) آمده و در قانون مدنی با عنوان الزامات بدون قرارداد و یا ضمان قهری از آن اسم برده شده است، در جایی است که دو طرف هیچ قراردادی با یکدیگر ندارند و یکی از آنان بدون مجوز قانونی عمداً یا سهواً به سلامتی یا جان یا مال دیگری خسارت وارد می‌کند و مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خویش می‌شود. پس این دو نوع مسئولیت هر چند ممکن است با یکدیگر تشابهاتی داشته باشند، اما از اساس و مبنا با یکدیگر متفاوت‌اند.

مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز از این قسم مسئولیت و در واقع زیر شاخه‌ی مسئولیت مدنی و خارج از قرارداد است. به بیان دیگر در این جا راجع به مسئولیت ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بحث می‌شود که بین طرفین یعنی بهره‌بردار نیروگاه و یا تأسیسات هسته‌ای از یک سو و زیان دیده از حادثه‌ی هسته‌ای از طرف دیگر، هیچ گونه قراردادی برای جبران چنین خسارتی بسته نشده است و یا اگر توافقی وجود دارد، ایراد خسارت هسته‌ای ارتباطی با آن ندارد. یعنی مسئولیت بهره‌بردار خارج از قرارداد است.

برای سهولت بحث و بررسی پیرامون موضوع، آن را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. در بخش نخست، مبانی و منابع فقهی مسئولیت مدنی یعنی قواعد اتلاف و تسبیب و لاضرر به طور کلی بیان خواهد شد. زیرا قانون مدنی کشور ما عمدتاً از فقه و نظر مشهور فقهای معظم شیعه اقتباس شده است، به طوری که برای نمونه در قانون مدنی در باب الزاماتی که بدون قرارداد حاصل



در قبال خسارت هسته‌ای مانند بعضی از کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، وجود خواهد داشت که همزمان یا بعد از الحاق کشور به کنوانسیون یاد شده، باید مراحل تدوین و تصویب خود را طی کند.

مقاله‌ی حاضر در صدد است بررسی کند در شرایط کنونی که کشور به این کنوانسیون پیوسته و قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ایران نیز تهیه و تصویب نشده است، آیا قوانین و مقررات فعلی پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده‌ی کشور برای جبران خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای است یا خیر؟ به بیان دیگر، آیا برای بهره‌برداران هسته‌ای، اعم از دولتی و خصوصی و نیز مردم و کارکنان تأسیسات مذکور، در مورد محیط زیست و خسارت احتمالی حوادثی که استفاده صلح جویانه از این نوع انرژی به افراد و محیط زیست و نسل‌های آتی وارد می‌کند، منابع حقوقی موجود کافی و وافی به مقصود می‌باشد یا مردم، مسئولین، نظام حقوقی کشور و بهره‌برداران فعلی و آتی صنعت هسته‌ای از خلأ قانونی و حقوقی در این زمینه نگران می‌باشند؟ اگر چه قواعد و مصوبات موجود تا حدودی جوابگوی نیازها در این حوزه است، ولی در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای از هم اکنون باید دید آیا این منابع پاسخگوی کامل به احتیاجات کنونی و آتی در خصوص جبران خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای کشور خواهد بود یا این نقیصه را باید به شکلی جبران کرد؟ رسیدن به جواب قانع‌کننده‌ی این سوالات مستلزم بررسی قوانین و قواعد موجود و تجزیه و تحلیل آن‌ها است که اهم آن قانون مدنی در باب اتلاف و تسبیب (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱)، قانون مسئولیت مدنی و قوانین و مقررات پراکنده از جمله قانون اساسی (اصل ۴۰) و قواعد فقهی چون قاعده‌ی «لاضرر» است که در ادامه به یکایک آن‌ها پرداخته می‌شود.

## ۲. پیشگفتار

در شرایط فعلی که این نوشتار تدوین می‌شود، نه کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی هسته‌ای پیوسته، و نه قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور تدوین شده است. بنابراین ناگزیر به قوانین و مقررات و قواعد موجود و کلی کشور در این زمینه پرداخته می‌شود. برای رسیدن و بررسی این مهم، ابتدا به قواعد فقهی که در این زمینه وجود دارد و به درستی قانون مدنی هم از آن‌ها

موجود با توجه به دامنه‌ی گسترده و میزان فوق‌العاده و عظیم خسارت ناشی از یک رویداد هسته‌ای احتمالی (شبه حادثه هسته‌ای چرنوبیل یا فوکوشیما) و چگونگی جبران‌ها آن بهره‌بردار و دیگران را نگران و رنج می‌دهد.

شایان ذکر است در صورتی که برای نمونه، قاعده‌ی قدیمی مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر و احراز رابطه سببیت برای مقصر و زیان‌دیده در برخی موارد مطرح است، این نظام با توجه به پیچیدگی و دشواری‌های فراوان برای اثبات تقصیر بهره‌بردار و تشخیص خواننده‌ی دعوی، اگر برای زیان‌دیده‌ی خسارت هسته‌ای امری محال نباشد، کاری بس دشوار است و پاسخگوی مناسب برای جبران خسارت هسته‌ای نیست. به علاوه با اصل پیشرفته و منطقی مسئولیت محض بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اهداف مورد نظر کنوانسیون مذکور همخوانی و هماهنگی ندارد. زیرا، اهداف مهم مسئولیت مدنی هسته‌ای از قبیل انتقال مسئولیت به بهره‌بردار (operator) در پیش آمد هسته‌ای، کانالیزه کردن به سوی مسئولیت مطلق بهره‌بردار، تعیین مبلغ حداقلی برای مسئولیت، تعیین سقف برای مرور زمان در طرح دعاوی جبران خسارت، پوشش بیمه‌ی اجباری و تضمین مناسب برای فعالیت هسته‌ای، صلاحیت قضایی دادگاه‌هایی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن کشور رخ می‌دهد و نبودن تبعیض در این کنوانسیون، اموری است که ذینفعان اعم از بهره‌برداران و دیگران ناگزیرند بخش عمده‌ای از آن‌ها را بپذیرند. این امور در قوانین و مقررات جاری کشور در شرایط کنونی جایگاه معین و استواری ندارد و تمامی زیر ساخت‌های قانونی لازم برای ایفای وظایف مقرر در کنوانسیون مورد بحث به اندازه‌ی کافی فراهم نیست.

البته نباید غافل شد مواردی در این کنوانسیون دیده می‌شود که به دلایلی پذیرش آن برای جمهوری اسلامی ایران، دشوار است و یا به مصلحت نیست، مانند مرور زمان طرح دعوی، وانگهی با پیوستن کشور به کنوانسیون مورد بحث، مطابق ماده‌ی ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌های منعقد شده باشد، در حکم قانون است». اما قطع نظر از حق تحفظ (Reservation) که در صورت الحاق کشور به این سند بین المللی، اعمال می‌شود، اقدام و اجرای احکام و شرایط مندرج در کنوانسیون مذکور نیاز به تدوین و تصویب دقیق و پر اهمیت قانون بومی و داخلی مسئولیت مدنی



سببیت معیار است اگر سبب اقوا از مباشر باشد، سبب اقوا مسئول شناخته می‌شود نه مباشر. بنابراین در ماده‌ی ۳۳۲ قانون مذکور آمده است: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

قاعده‌ی اتلاف یکی از قواعد مسلم و مورد اتفاق بین جمیع فرق مسلمین است. به معنای دیگر هر گاه شخصی مال دیگری را بدون اذن و رضای او نابود و تلف سازد، این مال به وجود اعتباری خود در عهده و ضمان وی قرار می‌گیرد و باید از عهده‌ی آن بیرون آید به این صورت که در مثلیات پرداخت مثل و در قییمات پرداخت قیمت بر او واجب است [۱].

وقتی چیزی تلف می‌شود، وجود اعتباری اش در عهده‌ی متلف قرار می‌گیرد و این، معنای ضمان واقعی است. نوع دیگر، ضمان قراردادی است که در اثر تعهد ضامن و قبول مضمون له به وجود می‌آید و آن را «ضمان عقدی» می‌نامند که ماده‌ی ۲۲۱ قانون مدنی نیز مؤید همین مناسبت: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد کند که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.» البته قسم اخیر در این نوشتار ارتباطی به موضوع بحث ما ندارد. زیرا در اینجا ما از مسئولیت غیر قراردادی و قهری (خارج از قرارداد) بحث می‌کنیم. همچنین عقیده‌ی فقها بر این است که هر کس بدون اجازه‌ی صاحب مال، مال او را از بین ببرد، آن مال با وجود اعتباری خود در عهده‌ی متلف قرار می‌گیرد. شایان یادآوری است که اتلاف بر دو قسم است: ۱- اتلاف حقیقی ۲- اتلاف حکمی. «اتلاف حقیقی» آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند، ولی در «اتلاف حکمی» نفس مال از بین نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود، مانند این که شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابود نکرده (اتلاف

پیروی می‌کند به منظور یادآوری به صورت توأمان اشاره خواهیم کرد و در این راستا به توضیح قواعد اتلاف، تسبیب و لاضرر می‌پردازیم و بالتبع مواد ۳۲۸ و ۳۲۹ قانون مدنی (در باب اتلاف)، ۳۲۸ و ۳۳۱ همین قانون (در خصوص تسبیب) و ماده ۱۳۲ آن (راجع به قاعده‌ی لاضرر) هر چند به طور موجز بررسی خواهد شد. در خلال مباحث آتی قواعد فقهی، مواد قانون مدنی و حسب مورد به قانون مهم مسئولیت مدنی که به موضوع این نوشتار ارتباط زیادی دارد، خواهیم پرداخت.

### ۳. بررسی قواعد فقهی و تطابق آن‌ها با مواد حقوق داخلی

#### ۳.۱ قاعده‌ی اتلاف:

در فقه امامیه موجبات ضمان قهری دو چیز است: یکی «ضمان ید» و دیگری «ضمان اتلاف» و ضمان اتلاف خود به دو نوع تقسیم می‌شود؛ اول «اتلاف بالمباشره» و دیگری «اتلاف بالتسبیب».

اتلاف به معنی تلف کردن مال دیگری بدون اذن و رضای اوست، خواه از روی قصد و عمد یا بدون آن باشد. در نتیجه‌ی این قاعده، ضمان و مسئولیت متوجه کسی است که موجب تلف مال غیر شده است. بنابراین چنانچه شخصی بدون اذن و رضای غیر مال او را تلف کند و کسی که تلف کرده قصد احسان نداشته باشد، ضامن جبران خسارت وارد آمده است و باید مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند. در ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی آمده است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» که این ماده‌ی قانونی مصداق بارز اتلاف بالمباشره است. همچنین در ماده‌ی ۳۲۹ همین قانون آمده که: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا کند و اگر ممکن نباشد باید از عهده‌ی قیمت برآید.» در این ماده نیز مقنن از وجوب جبران خسارت وارده صحبت می‌کند به نوعی که زیان‌دیده بیش از این در محذوریت نباشد.

از نظر حقوق اسلامی و قانون مدنی ایران، در صورت تراحم سبب و مباشر، اصل بر مسئولیت مباشر است و چون رابطه‌ی



دیگری را مباشرتاً بسوزاند مُتَلِف است، اما اگر در مسیر عموم چاهی حفر کند و حیوان متعلق به دیگری در آن بیفتد و بمیرد، مسبب است. ثانیاً در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و هیچ‌گاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی‌تواند باشد، در حالی که در تسبیب، زیان، مع‌الواسطه متوجه غیر می‌شود و حتی با ترک فعل هم ورود زیان متصور خواهد بود.

### ۲.۲.۳ تعریف سبب

در مورد «سبب» گفته شده، هر چیز که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید، «سبب» است [۳].

در تسبیب، عمل شخص، مستقیماً و مباشرتاً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه‌ی بین عمل شخص و تلف مال به این گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.

### ۲.۲.۳ اقسام فعل مسبب

منظور از عمل در اصطلاح حقوقی، اعم است از فعل یا ترک فعل و به عبارت دیگر در تسبیب فعل مسبب بر دو قسم صورت می‌گیرد:

۱. فعل مثبت، و آن فعلی است که انجامش سبب تلف مال شود؛
۲. فعل منفی، ترک فعلی است که سبب ورود خسارت بر غیر شود، خواه فعل مزبور تکلیف ناشی از قرارداد باشد، مانند آن که ماموران راه آهن در اثر عدم انجام وظیفه به موقع خود، سبب تصادم قطار شوند، یا آن که تکلیف ناشی از وظایف قانونی باشد، مثل آن که ولی با عدم انجام وظیفه نسبت به حفظ اموال مولی علیه، موجب ورود خسارت بر اموال او شود.

به نظر مرحوم محمدحسن نجفی، فقیه بزرگ امامی قرن سیزدهم (معروف به صاحب جواهر) قاعده‌ی تسبیب شامل هر فعلی است که تلف از آن ناشی شود. البته باید گفت که غیر از آن که جدایی اتلاف از تسبیب در منابع فقهی سابقه‌ی چندانی ندارد و این جدا شدن اتلاف از تسبیب نه فقط در روایات شیعه دیده نمی‌شود، بلکه در آثار قدما (یعنی در قرون اولیه‌ی اسلام) نیز مشهود نیست و نخستین بار در قرن پنجم در آثار شیخ طوسی [۴] و ابن براج [۵] مسأله اجتماع سبب و مباشر به چشم می‌خورد،

حقیقی) ولی چون آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است. به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی‌شود [۲]. قابل ذکر است از آنجا که در اتلاف رابطه‌ی علیت مستقیم بین کار مباشر و تلف کفایت می‌کند و عنصر تقصیر در آن دخالت ندارد، تا حدودی به مسئولیت مطلق بهره‌بردار در جبران خسارت هسته‌ای مندرج در مفاد کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین شباهت دارد. با این حال تفاوت‌هایی نیز با مسئولیت مطلق دارد که عندالاقضاء در جریان بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد.

### ۲.۳ قاعده‌ی تسبیب

قاعده‌ی حاضر به این معنا است که اگر شخصی مسبب از بین رفتن مال منقول یا غیر منقول دیگری شود می‌باید خسارت وارده را جبران کند. بحث تسبیب بلافاصله در ذیل عنوان اتلاف مطرح می‌شود، زیرا در حقیقت، تسبیب نوعی از اتلاف است چنانکه در قانون مدنی ما نیز از مواد ۳۲۸ به بعد که در خصوص اتلاف صحبت می‌کند، در ماده‌ی ۳۳۱ همین قانون تصریح نموده است: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده‌ی نقص قیمت آن برآید».

بر اساس این قاعده، شخص مبادرت به امری می‌کند که زمینه‌ی تلف و ورود خسارت به دیگری را فراهم می‌کند به طوریکه اگر آن عمل نبود، تلف هم اتفاق نمی‌افتاد. اگر تقصیر را یکی از ارکان ضمان تسبیب بدانیم، مسئولیت مندرج در کنوانسیون مورد بحث که محض تلقی می‌شود، با ضمان تسبیب ماهیتاً تفاوت پیدا خواهد کرد. زیرا در مسئولیت مطلق، تقصیر اصولاً موجب معافیت بهره‌بردار از مسئولیت نیست مگر در موارد استثنایی، مثل تقصیر سنگین فردی که موجب ورود خسارت به تأسیسات اتمی می‌شود، اما خودش نمی‌تواند به مسئولیت مطلق بهره‌بردار استناد کند و از بهره‌بردار مطالبه خسارت ناشی از عمل خویش را مطرح کند.

### ۲.۳.۱ فرق اتلاف و تسبیب

اولاً در اتلاف، شخص مستقیماً و بالمباشره باعث تلف مالی می‌شود، ولی در تسبیب، عمل مسبب مع‌الواسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. برای مثال، اگر شخصی مال



هسته‌ای معاف کند و ادعا کند که در حد عرف بین المللی و داخلی در ملک خود اقدام به احداث نیروگاه اتمی یا تأسیسات هسته‌ای نموده است. بنابراین بر اساس همین قاعده مسئول اضرار به غیر است، چرا که نمی‌توان منکر حادث شدن ضرر در حق دیگران شد لکن با توجه به عبارت «لا ضرر و لا ضرار» و دلالت آن بر نفی هرگونه ضرر در دین اسلام در تفسیر اصل قاعده‌ی میان فقها اختلاف است که در ادامه به چند نظر مشهور اشاره می‌شود:

۳.۳.۱ دیدگاه شیخ انصاری: در اسلام احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد وجود ندارد [۸].

۳.۳.۲ دیدگاه آخوند خراسانی: موضوعاتی که حکم دارند، اگر با عنوان اولیه‌ی شان، سبب ضرر بشوند، حکم آن برداشته می‌شود، یعنی اگر وضو موجب ضرر شود، حکم وجوب آن برداشته می‌شود [۹].

۳.۳.۳ دیدگاه مرحوم نراقی: مرحوم نراقی می‌گوید: منظور، نفی ضرر غیر متدارک است، یعنی هر کس به دیگری ضرر بزند، موظف است آن را تدارک و تلافی کند. بنابراین ضرری که جبران نداشته باشد در اسلام وجود ندارد [۱۰]. به نظر نگارنده نیز همین معنا به موضوع مانحن فیه ورود ذاتی دارد چرا که در قوانین ملی ما نیز به کرات در این خصوص صحبت، و روابط اجتماعی بر اساس آن تنظیم شده است. به طور مثال در قانون مجازات اسلامی قبلی (مصوب ۱۳۷۵) ذیل ماده‌ی ۳۵۳ آمده بود که: «اگر کسی در ملک خود آتشی روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود اگرچه به میزان نیاز خودش روشن کرده باشد.» در ادامه‌ی همین قانون، ذیل ماده‌ی ۳۵۴ نیز همین حکم بیان شده است.

قاعده‌ی لاضرر تنها در خصوص مباحث مربوط به همسایگی و یا معاملات مورد استناد نیست، بلکه دامنه‌ی شمول آن همه‌ی ابواب مربوط به تعاملات بین افراد را دربر می‌گیرد<sup>(۳)</sup>. به عنوان مثال چنانچه فردی در ملک خود تصرف مالکانه داشته باشد اما این تصرف مالکانه‌ی وی باعث اضرار به دیگری شود، بر مالک لازم است که ضرر وارده را به هزینه‌ی خود جبران کند. بنابراین

ولی به هر حال بعدها در آثار فریقین این تقسیم بندی و بررسی فروع آن، امری رایج است.

آنچه در قاعده‌ی تسبیب جاری است، عدم دخالت عمد و قصد است، چراکه توجه به روایات معتبر به عنوان مستندات قاعده‌ی تسبیب این نکته را روشن می‌سازد که به جهت اطلاق سیاق کلامی معصومین (علیهم السلام) فرقی ندارد مرتکب با قصد و نیت اضرار به غیر مبادرت به انجام فعل و یا ترک فعل سبب اضرار کند یا خیر. مع الوصف در صورت احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی تردید جبران خسارت واجب خواهد بود. از این رو، هرگاه حیوان متعلق به شخصی بر حیوان دیگری یا مال او هجوم آورد و خسارت وارد سازد، صاحب حیوان ضامن نیست، مگر اینکه در حفظ آن تقصیر و کوتاهی کرده باشد. بنابراین در ماده‌ی ۳۳۴ قانون مدنی ایران آمده است: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود، مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد، لکن در هر حال، اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر شود، فاعل آن عمل مسئول خسارت وارده خواهد بود [۶].»

### ۳.۳.۳ قاعده‌ی لاضرر و لا ضرار

قاعده‌ی لاضرر به معنی نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است [۷]. از این قاعده به قاعده‌ی ضرر، قاعده‌ی ضرر و ضرار، قاعده‌ی لاضرر و لا ضرار و قاعده‌ی نفی ضرر نیز تعبیر می‌شود. قاعده‌ی لا ضرر از قواعد مشهور فقهی است و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. معروف ترین حدیثی که در این رابطه به آن استناد شده است، داستان سمره بن جندب است که در ذیل آن عبارت «لا ضرر و لا ضرار» آمده است. «کلینی» در کتاب اصول کافی از «ابن مسکان» و او از «زراره» از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند. درباره معنای سه کلمه «لا» و «ضرار» و «ضرر» سخن بسیار گفته شده و معانی متفاوتی احتمال داده شده است. منشأ آن اختلاف‌ها، این است که ظاهر عبارت «لا ضرر و لا ضرار» دلالت بر نفی هر گونه ضرر در اسلام دارد، و این در حالی است که در عالم خارج بالوجدان ضرر وجود دارد. شایان یادآوری است که بهره بردار نیروگاه اتمی یا تأسیسات هسته‌ای به استناد این قاعده نمی‌تواند خود را از مسئولیت ناشی از حادثه‌ی



در این نظریه وجود دارد. به این ترتیب برابر این نظریه، زیان دیده یا مدعی باید مطابق اصل و باتوجه به وجود اصل برائت، دلایل اثباتی ارائه کند و ثابت کند که در اثر تقصیر و خطر عامل زیان، خسارت به جان یا سلامتی یا مال و دیگر حقوق او وارد شده است. در نتیجه اگر عامل زیان ثابت کند که عامل خسارت خود زیان دیده یا قوه‌ی قاهره بوده است از مسئولیت مبری خواهد شود. اگرچه ظاهراً این نظریه عادلانه و مناسب به نظر می‌رسد، اما به آن ایراداتی هم وارد است. اثبات تقصیر در دنیای صنعتی کنونی و دشواری‌های اثبات آن با توجه به ویژگی‌ها و پیچیدگی عوامل ورود خسارت و ناکارآمدی قواعد اخلاقی مبتنی بر این نظریه موجب می‌شود، این نظریه پاسخگوی تمامی مسئولیت‌های مدنی به ویژه مسئولیت مدنی هسته‌ای نباشد و نمی‌توان گفت بروز تقصیر موجب زیان می‌شود و ناگزیر باید نظریات دیگری مطرح شود که در حوادث رانندگی، بیمه‌های تأمین اجتماعی و مسئولیت مؤید آن است. به علاوه در ما نحن فیه که مسئولیت مدنی هسته‌ای مطرح است تحمل بار اثبات تقصیر بهره‌بردار به زیان‌دیده، با توجه به پیچیدگی، تخصصی بودن و حساسیت فوق‌العاده‌ی تأسیسات هسته‌ای به ویژه به اشخاص ثالث اگر امر محالی نباشد، بسیار دشوار است. بنابراین استفاده از این تئوری در مقوله‌ی خسارت ناشی از حوادث و فعالیت‌های هسته‌ای، چندان مناسب نیست و شایسته است، در این راستا به نظریات دیگری استناد شود.

#### ۴.۲ نظریه‌ی خطر

ملاک مسئولیت در این نظریه، تقصیر زیان‌زننده نیست. بلکه اساس آن خطری است که فعالیت مربوط به ورود خسارت یا شیء متعلق به فعال ایجاد کرده است. یعنی نه تنها خسارت به کسی نسبت داده می‌شود که مسبب ورود آن بوده است، بلکه اگر اشیاء تحت تصرف و حتی اشخاص وابسته به او مانند کارگران عامل خسارت باشند، کارفرما یعنی شخصی که از فعالیت فایده می‌برد، باید از عهده‌ی خسارت برآید. به بیان دیگر، اگر زانی بر اثر فعالیت شخص به ثالث وارد شده باشد، به هر حال باید این خسارت جبران شود. حال اگر بین زیان‌دیده‌ی بی‌گناه و شخصی که فعالیت را انجام داده و محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود آورده است (هر چند مقصر نباشد) و از آن سود می‌برد،

به نظر می‌رسد ماده‌ی ۱۳۲ قانون مدنی از مصادیق همین قاعده لاضرر باشد چرا که تصریح دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.» در همین راستا نیز اصل چهارم قانون اساسی قرار دارد که: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» همچنین اصل چهل و سوم همین قانون که «منع اضرار به غیر» را از ضوابط اقتصاد اسلامی می‌شمارد.

#### ۴.۴ تدقیق در مکاتب حقوقی مسئولیت مدنی و کنوانسیون وین

صرف‌نظر از اینکه یافتن مبنای مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی کار آسانی نیست و برای اینکه دریا بیم چه دلیل و چه عاملی ممکن است مسئولیت مدنی را بر یک شخص تحمیل کند یا دامنه‌ی این مسئولیت تا کجاست، باید نظریات گوناگون را بررسی و نظر اصلاح را برگزینیم. در مباحث گذشته ملاحظه کردیم که در فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه به استناد دلایل و منابع شرعی از قبیل قرآن و سنت و برخی از قواعد معتبر فقهی، مبانی و قواعد مسئولیت مدنی بیان شده است. اما در این‌جا از مبانی مسئولیت از جنبه‌ی نظری و فلسفی بحث می‌شود. البته از تحول تاریخی این نظریات و بیان و شرح همه‌ی آن‌ها اجتناب می‌کنیم و از میان نظریاتی چون تقصیر، خطر، مختلط، تضمین، تضمین گروهی، تقصیر به مفهوم نوعی و اقتصادی که مطرح گردیده و عمدتاً از سوی متفکران و فیلسوفان غربی بیان شده است، برخی قابل قیاس با مبانی مسئولیت مدنی در فقه هم خواهد بود، بنابراین در اینجا نظرات مهم‌تر یعنی تقصیر، خطر، تضمین حق و قابلیت انتساب را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد و در این راستا تلاش خواهیم کرد به رابطه‌ی این نظریات با فقه و مندرجات کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین (۱۹۶۳) اشاره کنیم.

#### ۴.۱ نظریه‌ی تقصیر

این نظریه در حقوق ما ناشناخته نیست به طوری که قانون مدنی پس از آن که تعدی و تفریط را در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ تعریف می‌کند در ماده‌ی ۹۵۳، تقصیر را اعم از تفریط و تعدی می‌داند (که ضمانت اجرای آن جبران خسارت است) در این نظریه اثبات رابطه‌ی سببیت میان زیان‌زننده و زیان‌دیده مطرح است به بیان دیگر، ۳ رکن ضرر، تقصیر و رابطه‌ی علیت، بین ضرر و تقصیر



کسر منفعت، زیان و حتی ورشکستگی طرف دیگر می‌شود. بنابراین چنین رقابت مشروعی را نمی‌توان ممنوع کرد و یا وارد کننده‌ی زیان را ملزم به جبران خسارت دیگری دانست. اما اگر ملازمه‌ای بین این دو حق نباشد، مانند راننده‌ای که با رعایت همه‌ی قوانین و مقررات رانندگی می‌کند ولی به جان و یا مال دیگری (که مقصر هم نیست) زیان می‌زند، باید خسارت وارده را به نوعی جبران کند.

#### ۴.۴ نظریه‌ی قابلیت انتساب ضرر

به موجب این نظریه، هرگاه شخص عملی انجام دهد که بتوان ورود ضرر را به او نسبت داد، این شخص مسئول جبران خسارت است. یعنی آنچه در این نظریه اهمیت دارد، قابلیت انتساب زیان به عامل آن است. البته ملاک احراز قابلیت انتساب نیز رابطه‌ی سببیت از نوع عرفی است. اهمیت این نظریه از آن جهت است که می‌تواند قواعد ضمان در فقه امامیه را هم توجیه کند. با توجه به اینکه اصل جبران خسارت از اهمیت زیادی برخوردار است و عنصر تقصیر و اثبات آن برای جبران خسارت، سد بزرگی در راه تحقق این امر محسوب می‌شود، اگر بتوان این عنصر را در مسئولیت مدنی و به‌ویژه مسئولیت مدنی هسته‌ای نادیده گرفت، نظریه‌ی قابلیت انتساب می‌تواند همسو با تحولات جدید مسئولیت مدنی، در استیفای حقوق زیان‌دیدگانی که ناگزیر از اثبات تقصیر هستند معاضدت نماید؛ تا آنجا که برخی نوشته‌اند: از ارکان چندگانه‌ی مسئولیت مدنی، اثبات ضرر و رابطه سببیت، خیلی مهم است و فرد زیان دیده لزوماً باید این دو رکن را به اثبات برساند. براساس نظریه‌ی قابلیت انتساب، رکن تقصیر از مسئولیت مدنی حذف می‌شود و دیگر برای اثبات مسئولیت، نیازی به اثبات فعل زیان‌بار نیست [۱۳]. چنانچه این نظریه پذیرفته شود نیازی به تفکیک و تمایز مسئولیت قراردادی و قهری از یکدیگر نیست، زیرا آنچه در هر دو نوع مسئولیت اهمیت دارد، انتساب زیان به وارد کننده‌ی آن است به طوری که به اعتقاد برخی، براساس نظریه‌ی قابلیت انتساب، عامل توجیه‌کننده‌ی مسئولیت، قابلیت انتساب زیان به عامل ایجاد آن است. برای احراز قابلیت انتساب و رابطه‌ی سببیت، نظریات مختلفی مطرح شده که با بررسی مجموع این نظریات می‌توان دریافت که بهترین معیار برای تشخیص قابلیت انتساب، «عرف» است. عرف، بهترین داور برای حاکمیت

بخواهیم یکی را انتخاب کنیم، نباید زیان دیده‌ی بی‌گناه را برگزینیم که نه سودی از فعالیت می‌برد و نه محیط خطرناکی به وجود آورده است، بلکه برای جبران خسارت شایسته است اعتقاد داشته باشیم شخصی باید خسارت را پردازد که فعالیت خطرناک داشته و بالتبع سود و زیان هم باید متوجه او شود، حتی اگر مرتکب تقصیر نشده باشد. در نتیجه، اصل «به سود کیست؟» عامل معرفی ضامن جبران خسارت است مگر خلاف آن ثابت شود و به این ترتیب در دنیای صنعتی امروز این نظریه مناسب است و همان‌گونه که برخی نوشته‌اند، مهم‌ترین فایده‌ای که در نظریه‌ی جدید گفته شده این است که با حذف تقصیر از زمره‌ی ارکان مسئولیت مدنی، دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به نتیجه می‌رسد و زیان دیده از اشکال راجع به اثبات تقصیر خواننده معاف می‌شود. در «نظریه‌ی ایجاد خطر» همه چیز جنبه‌ی علمی پیدا می‌کند، دادرس باید مانند علوم طبیعی و مادی، در پی علت ورود خسارت باشد و همین که رابطه‌ی علیت را احراز کرد عامل را مسئول شمارد و در بند کاوش‌های اخلاقی و روانی نباشد [۱۱].

#### ۴.۳ نظریه‌ی تضمین حق

به موجب این نظریه، که به وسیله‌ی بوریس استارک (Boris starck) در فرانسه ارائه شده است، هرکسی در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود برد. این حق به وسیله‌ی قوانین، حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است: «همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام بگذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین رفت، باید به وسیله‌ی تلف‌کننده‌ی آن، جبران شود، الزام به جبران این خسارت را مسئولیت مدنی می‌نامیم» [۱۲].

البته نباید غافل بود که گاهی دو حق در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند اینکه دو شخص تولیدکننده‌ی یک کالا یا انرژی هر دو بر طبق حق خویش و بر اساس پروانه یا مجوزهایی که از مراجع ذی ربط دریافت کرده‌اند، با رعایت قوانین و مقررات، به تولید کالا یا انرژی و عرضه‌ی آن اشتغال دارند و با یکدیگر رقابت می‌کنند و در این رقابت، فروش بیشتر هر کدام، موجب کاهش درآمد دیگری می‌شود. یعنی در حالی که هر طرف مطابق حق قانونی خویش عمل کرده است، اما فعالیت قانونی وی موجب





چنین صندوقی برای جبران زیان های وارد شده‌ی ناشی از خسارات هسته‌ای مفید خواهد بود.

اگر به موارد فوق رابطه سببیت و معاف بودن از تقصیر بهره‌بردار (مسئولیت مطلق) و عواقب عمیق و گسترده‌ی حادثه‌ی هسته‌ای را هم اضافه کنیم، به اصل بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی هسته‌ای نزدیک می‌شویم. زیرا اگر از یک سو حتی چنانچه بهره‌بردار، شرکت دولتی و یا دولت هم باشد و بر اثر حادثه هسته‌ای ملزم شود همه‌ی خسارات وارده به زیان‌دیدگان را، آن هم در کوتاه مدت جبران کند، با توجه به وسعت و عمق چنین خساراتی، جبران آن‌ها بسیار دشوار و شرکت و دستگاه دولتی را به ورطه‌ی ورشکستگی (و خسارت‌دیدگان را در معرض تضییع حقوق از بین رفته‌شان) خواهد کشانید. از طرف دیگر وقتی هدف غایی قواعد مسئولیت مدنی هسته‌ای و کنوانسیون‌های مربوطه را جبران خسارت مادی و حتی معنوی زیان‌دیده تلقی کنیم نمی‌توانیم دولت را از این قاعده مستثنی کنیم و با این توجیه که در شرایط کنونی احداث نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای وظیفه یا در اختیار دولت است و بخش خصوصی به هر علتی تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش هسته‌ای ندارد و یا نیروگاه اتمی قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست، فعالیت در این حوزه را حاکمیتی تلقی، و با استفاده از ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دولت را از پرداخت خسارت معاف کنیم و معتقد شویم در چنین مواردی دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود!

البته اگر چه بین مسئولیت دولت و کارمندان دولت می‌توان تفکیک قائل شد، اما نباید از نظر دور داشت که حتی اگر مقصر حادثه‌ی هسته‌ای فرد و یا افرادی از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشد، این پرسش ساده مطرح می‌شود که چگونه آنان (در حالی که منبع درآمد و پس اندازشان تنها دریافت حقوق و مزایا از بهره‌بردار است) می‌توانند انبوه خسارت هسته‌ای ناشی از عمل خویش را جبران کنند؟

برای ورود به این بحث، ابتدا ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی را مرور می‌کنیم. به موجب این ماده: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌کرد را به عمل آورده‌اند یا این

بر روابط خصوصی افراد است. براساس این نظریه هرگاه زیانی به بار آید باید به دنبال این بود که عرف، این زیان را مستند به چه کسی می‌داند؟ از دیدگاه این نظریه، مسئول جبران خسارت همان کسی است که زیان مستند به فعل یا ترک فعل او است. نظریه‌ی قابلیت استناد می‌تواند به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد استفاده شود [۱۴].

## ۵. بررسی جایگاه مسئولیت مدنی در قانون ملی

قبل از ورود به بحث اصلی می‌توان گفت: با فرض اینکه در شرایط کنونی کشور، بهره‌بردار نیروگاه اتمی و تأسیسات هسته‌ای شرکت دولتی و یا خود دولت است، باید دید آیا ضرورتی دارد شرکت دولتی و یا دولت مسئولیت هسته‌ای خود را بیمه کند؟ این سوال از این جهت هم مطرح می‌شود که شرکت های مهم بیمه در کشور نیز دولتی هستند. البته منظور از این بحث، بیمه کردن کارکنان تأسیسات هسته‌ای نیست. زیرا آنان به نحوی بیمه‌ی تأمین اجتماعی و یا خدمات درمانی و حوادث (غیر هسته‌ای) خواهند بود. بلکه در این گفتار عمدتاً بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای شخص ثالث اعم از جانی و تندرستی و مالی مطرح خواهد بود. این بحث اهمیت خود را در جایی بیشتر نشان می‌دهد که در کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای، از یک طرف اصل هدایت (کانالیزه کردن) مسئولیت به سوی بهره‌بردار مطرح می‌شود و از سوی دیگر برای نمونه‌ی بند «ب» ماده‌ی ۱۷ قانون بیمه‌ی اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰) به صراحت خسارات مستقیم و یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیو اکتیو را از شمول بیمه‌ی موضوع این قانون خارج کرده است. بنابراین برای جبران خسارات زیان دیده‌ی هسته‌ای، با توجه به فقدان قواعد خاص و مورد نیاز برای مسئولیت مدنی در این خصوص در کشور باید چاره‌جویی کرد. شایان ذکر است که در ماده‌ی ۶۶ قانون اجرای احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور (مصوب ۱۳۹۵) به منظور تأمین منابع لازم برای انجام هزینه‌های مدیریت سوخت مصرف شده و پسماندهای حاصل، «صندوق احتیاطی» پیش بینی شده است که در صورت عدم الحاق کشور به معاهدات بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، تشکیل



وارد هستند. ولی هر گاه خسارات وارد شده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده‌ی اداره یا مؤسسه‌ی مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

بنابراین در شرایط کنونی، که کشور هنوز قانونی داخلی و بومی در این زمینه تصویب نکرده است (صرف نظر از قوانین کلی و عام) ماده‌ای که می‌توان با توجه به سکوت قوانین، آن را به نحوی به موضوع مورد بحث ارتباط داد، ماده‌ی مذکور است. حال باید دید آیا فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام شده یا دولت در صدد انجام آن‌ها است اعمال تصدی‌گری است یا حاکمیتی؟ با مرور قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، مفاد ماده‌ی ۳ قانون سازمان انرژی اتمی ایران (مصوب سال ۱۳۵۳) که ایجاد نیروگاه‌های اتمی را یکی از وظایف و اختیارات سازمان می‌داند، هم‌چنین ماده‌ی ۱۳۵ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، قانون دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز (مصوب ۱۳۸۴) قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران نتایج ذیل حاصل شد:

**اعمال تصدی و فرض تقصیر:** با اثبات این که احتیاط‌های مقتضی را به عمل آورده است و یا اگر احتیاط‌های لازم را هم به عمل می‌آورد، باز هم جلوگیری از ایراد خسارت میسر نمی‌شود، در این حالت، دولت از مسئولیت معاف است اما اگر نقص از دستگاه‌ها باشد، بهره‌بردار دولتی باید جبران خسارت کند.

**اعمال حاکمیت:** براساس قسمت آخر ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، دولت در خصوص زیان‌هایی که به سبب اعمال حاکمیت وارد می‌کند از مسئولیت معاف است (تحت شرایطی). این ماده را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: در قسمت نخست، کارمند دولت که به مناسبت انجام وظیفه عمداً و یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی (با فعل و یا ترک فعل) خساراتی به اشخاص وارد می‌کند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده است. اما صرف نظر از اینکه اثبات تقصیر کارمند در چنین مواردی بسیار مشکل است

که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه کند.

البته برابر ماده‌ی ۱۳ همین قانون، کارفرمایان مشمول ماده‌ی ۱۲ مکلفند تمام کارگران خود را در مقابل خسارات وارد شده از ناحیه‌ی آنان به اشخاص ثالث بیمه کنند. حال اگر کارفرما و کارگر یا هر دو را مسئول خسارت وارده بدانیم، در شرایط کنونی که بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای در کشور، دولتی هستند این ماده شامل آن‌ها نمی‌شود. زیرا این ماده ناظر به قانون کار و کارفرما و کارگر است که ظاهراً با فرض یا اماره‌ی تقصیر کارفرما مسئول است. شایان ذکر است که به موجب مفاد ماده‌ی ۳۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مقررات اداری و استخدامی سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت‌های تابع و دستگاه‌های وابسته در بخش فعالیت‌های تخصصی بدون رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری مجری است.

به این ترتیب و با توجه به اینکه قاعداً فعالیت شرکت بهره‌بردار دولتی و تخصصی است و حتی اگر تخصصی نباشد کارکنان نیروگاه اتمی مشمول قانون خدمات کشوری خواهند شد که هر دو از شمول قانون کار خارج اند و در نتیجه موضوع ماده‌ی ۱۲ قانون مذکور ارتباطی با بحث ما نخواهد داشت. البته اگر کارگر و کارفرما مشمول قانون کار باشند، ماده‌ی ۱۲ و ۱۳ قانون یادشده قابل طرح است. (تا زمانی که کشور به معاهده‌ی وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای و یا کنوانسیون مشابهی نپیوسته و قانون ملی در این خصوص به تصویب نرسیده است).

با این وصف در شرایط فعلی که کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی هسته‌ای در قبال خسارت هسته‌ای (۱۹۶۳) ملحق نشده است، مناسب است برای بررسی موضوع، ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کشورمان را مورد توجه قرار دهیم. به موجب ماده‌ی مذکور: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت



با کمک سرمایه گذار داخلی و خارجی و حتی بخش خصوصی منع نشده و ممکن است در سالیان آتی تولید و فروش برق هسته‌ای توسط بخش خصوصی هم انجام شود. از بُعد دیگر اگر به موضوع بنگریم می‌بینیم هرچند به عنوان نمونه طبق بند «و» ماده‌ی ۳ قانون سازمان انرژی اتمی (مصوب سال ۱۳۵۳)؛ ایجاد نیروگاه‌های اتمی و بهره‌برداری از آن‌ها برای کمک به تأمین نیروی برق مورد نیاز کشور از وظایف سازمان انرژی اتمی ایران است و این وظیفه در حال انجام است، اما با توجه به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که قلمرو فعالیت‌های هریک از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی معین شده است، حتی اگر فعالیت‌های شرکت‌های مادر تخصصی سازمان مذکور فعلاً بنا به دلایلی در گروه سه قرار داشته باشد، از اعمال حاکمیتی به معنای خاص آن محسوب نمی‌شوند. نتیجتاً در صورت احداث نیروگاه و تأسیسات اتمی توسط دولت و یا شرکت دولتی باید معتقد شویم در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای (بجز موارد مستثنی شده) سازمان یا شرکت دولتی خسارات هسته‌ای وارد شده به اشخاص (به ویژه شخص ثالث و حتی خود کارکنان بهره‌بردار) را جبران می‌نمایند. در این راستا چنانچه کشور به معاهدات مربوطه از جمله کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای سال ۱۹۶۳ وین ملحق شود، در خصوص موضوع مورد بحث برای هماهنگی با سایر کشورهای عضو حتی الامکان مطابق آن رفتار می‌شود. و الا با توجه به نارسایی‌های ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و نظریه‌های جدید علمی و نیازهای کنونی و آینده‌ی کشور، لااقل باید اصل مسئولیت مدنی دولت بر مبنای نظریه‌ی تقصیر بدون اعمال تفکیک بین اعمال حاکمیتی و تصدی گری، پذیرفته شود و یا به درستی در این زمینه برای مسئولیت مدنی هسته‌ای، نظریه مطلق یا محض بهره‌بردار هسته‌ای را قبول کنیم.

شایان ذکر است در کنوانسیون مورد بحث، فرق خاصی میان بهره‌بردار خصوصی و دولتی از نظر جبران خسارت ملاحظه نمی‌شود، به طوری‌که در بند «پ» ماده‌ی ۱ آن، بهره‌بردار در رابطه با محل تأسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط دولت محل تأسیسات، به عنوان بهره‌بردار آن تأسیسات تعیین یا به رسمیت شناخته شده باشد. بنابراین مطابق بند ۱ ماده‌ی ۴، آن

و این حکم را باید تفسیر مضیق کرد، با توجه به خسارات گسترده و فوق‌العاده ناشی از حوادث هسته‌ای و پیچیدگی هدایت مسئولیت به سمت کارمند دولت، جبران آن حتی در صورتی که عامل منحصر به فرد آن از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشد، غیرممکن است. بنابراین باید قانون‌گذار این نقیصه را رفع کند. در قسمت دوم که خسارات وارد شده مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات دولتی باشد، جبران خسارت بر عهده‌ی اداره یا مؤسسه دولتی است که اصولاً توانایی جبران آن‌ها را خواهد داشت. البته اگر تقصیر را بتوان به هر دو نسبت داد، ضمانت تضامنی یا مشترک مطرح خواهد شد که پرداختن به آن در این مجال نمی‌گنجد. و در قسمت آخر این ماده، بحث اعمال حاکمیت پیش بینی شده است که هرگاه در این راستا اقدامات دولت بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر به دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. حال باید دید آیا ایجاد نیروگاه یا تأسیسات هسته‌ای از اعمال حاکمیتی است یا تصدی گری؟ و اگر از اعمال حاکمیتی است چنانچه بر اثر فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز دولت خساراتی به کارکنان، مردم و اموال و محیط زیست وارد شود، آیا دولت ملزم به جبران خسارت است و یا در اینجا دولت تکلیفی به جبران چنین خسارتی نخواهد داشت؟

برای اینکه تشخیص دهیم آیا تولید برق از انرژی هسته‌ای آیا حاکمیتی است یا تصدی گری، می‌توان با طرح دو سؤال به نتیجه‌ی مطلوب رسید. نخست آنکه آیا سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای برای اقتدار ملی و صرفاً نفع مردم است (امر حاکمیتی) و یا در اینجا دولت مانند سایر اشخاص و افراد جامعه در نقش صاحب صنعت و تولیدکننده‌ی برق ظاهر می‌شود؟ در جواب می‌توان گفت اگرچه تولید برق از نیروگاه اتمی به اقتدار ملی و نفع مردم و جامعه کمک می‌کند، اما هدف استفاده از صنعت هسته‌ای برای تولید برق و غیره است که بدون آن نیز اقتدار ملی و نفع مردم و نیاز به برق با استفاده از نیروگاه‌هایی مانند گازی، سیکل ترکیبی، آبی، خورشیدی و بادی قابل تأمین است و از جمله اعمال حاکمیتی مانند فرمان و تحکم و ایجاد نظم و آرامش و عدالت و اوامری که مأمورین دولتی صادر و اجرا می‌کنند نیست، بلکه اعمالی است که نظائر آن را سایرین هم انجام می‌دهند. وانگهی این امر



تنها بخشی از نگرانی‌های بهره‌بردار و شخص ثالث مرتفع می‌شود، بلکه در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای، تا حد معینی از خسارت را بیمه پرداخت خواهد کرد. البته نه بیمه می‌پذیرد که خسارت نامحدود را بیمه کند و نه برای بهره‌بردار مقرون به صرفه است که به این نحو، خسارات هسته‌ای خود را بیمه کند و منابع نامحدود و گزافی را برای حق بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای بپردازد.

البته بهره‌برداران در کنوانسیون‌ها حسب مورد ملزم هستند مسئولیت خویش را به حداقل مبلغ معینی بیمه کنند که این مبلغ در کنوانسیون وین تا حداقل ۵ میلیون دلار آمریکا برای هر حادثه است (بند ۱ ماده‌ی ۵) که این مبلغ با توجه به معادل هر اونس طلای خالص ۳۵ دلار است (نرخ سال تصویب) و طبق بند ۳ همین ماده امروزه به حدود ۲۰۰ میلیون دلار آمریکا می‌رسد. مضافاً اینکه به این مبلغ نرخ بهره و هزینه‌های حکم دادگاه هم اضافه می‌شود (بند ۲ ماده‌ی ۵) با این حال، این امر به سود بهره‌بردار و مزیتی برای او محسوب می‌شود تا با نگرانی کمتری به فعالیت هسته‌ای بپردازد. لازم به ذکر است ضمن رعایت کردن حداقل حق برداشت ویژه (SDR)<sup>(۳)</sup> این مبلغ در قانون مسئولیت مدنی (داخلی) کشورهای مختلف یکسان نیست. مثلاً در ماده‌ی ۶ قانون اوکراین<sup>(۴)</sup> مبلغ ۱۵۰ میلیون SDR [۱۵] و در ماده‌ی ۱۸ قانون فنلاند<sup>(۵)</sup> ۱۰۰ میلیون SDR [۱۶] تعیین شده است، که دولت نیز در مواردی از بهره‌بردار حمایت می‌کند. با این حال بر اساس یکی از اصول مسئولیت هسته‌ای بهره‌بردار باید مسئولیت احتمالی خود را در برابر زیان‌دیدگان و شخص ثالث بیمه کند یا تأمین مالی مناسب برای جبران خسارت در نظر بگیرد. این اصل مهم در بند ۱ ماده‌ی ۷ کنوانسیون یاد شده پیش بینی شده است. به موجب قسمت نخست این بند، بهره‌بردار ملزم می‌شود بیمه یا دیگر تضامین مالی برای پوشش مسئولیت خود در قبال خسارت هسته‌ای را به میزان، نوع و شرایط مقرر شده‌ی دولت محل تأسیسات تأمین کند.

اطلاق بند و ماده‌ی مذکور نشان می‌دهد که این حکم شامل بهره‌بردار دولتی و یا شرکت دولتی هم خواهد شد. شرکت دولتی نیز مطابق این بند ملزم به بیمه کردن یا ارائه‌ی تضامین مالی در مقابل مسئولیت مدنی هسته‌ای است. البته برابر بند مذکور، میزان نوع و شرایط بیمه یا تضامین مالی را دولت محل تأسیسات تعیین

مسئولیت بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای بر اساس این کنوانسیون مطلق خواهد بود:

(The liability of the operator for nuclear damage under this convention shall be absolute)

به این ترتیب چنانچه کشور به کنوانسیون فوق ملحق شود، ناگزیر شرکت دولتی هم به عنوان بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای بدون تقصیر، حتی در برابر کارکنان خود مسئولیت مطلق دارد. البته به جز مواردی مانند تقصیر سنگین زیان دیده‌ی ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای و خسارت ناشی از واقعه‌ی هسته‌ای که به طور مستقیم از جنگ مسلحانه، مخاصمات، جنگ داخلی یا شورش ناشی شده باشد که به معافیت بهره‌بردار به نحوی اشاره شده است (بند های ۲ و ۳ ماده‌ی ۴) اما اگر کشور به این کنوانسیون نپیوندد، بر اساس قوانین موجود به ویژه قانون مسئولیت مدنی (مواد یک و یازده) و قانون مدنی (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱)، اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده‌ی لاضرر، بهره‌بردار هسته‌ای مسئولیت خواهد داشت. یعنی از این نظر، جبران خسارت حد و مرزی ندارد. هرچند در مواردی مانند قانون دریایی ایران و بحث دیات به موجب قانون خاص، مسئولیت محدود شده است که ضابطه‌ی مسئولیت دولت و حکومت به جای کارکنان در قوانین داخلی مانند اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و تطبیق حکم بر مورد خاص دیده می‌شود.

#### ۵. ۱ بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای بهره‌بردار

جبران خسارات ناشی از فعالیت هسته‌ای اعم از داخلی و برون مرزی بدون کمک بیمه، امری بسیار دشوار بلکه ناممکن خواهد بود. چرا که از یک سو شرکت دولتی بودجه و دارایی محدودی دارد و نمی‌تواند با فروش اموال خود جبران خسارت کند و در نتیجه احتمال ورشکستگی آن در صورت وقوع حادثه‌ی اتمی غیرممکن نیست. و از سوی دیگر اعطای مجوز فعالیت به بهره‌بردار بدون احراز داشتن پوشش بیمه‌ای یا تضمین مناسب ممکن است مسئولیت دشوار و نامحدودی را به بهره‌بردار تحمیل کند. زیرا مطابق قانون و قواعد داخلی، اصولاً بهره‌بردار مسئول باید تمام زیان‌های وارد شده‌ی ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای که ناشی از فعالیت هسته‌ای بوده است را جبران کند و متضرر را به وضعیتی برساند که قبل از ورود خسارت داشته است. اما با پوشش بیمه، نه



ولی در خصوص مطالبه و خسارات مازاد بر دیه‌ی موضوع اختلافی است و ضرر و زیان ناشی از هزینه‌ی دارو و درمان و معالجات و خسارات از کارافتادگی نیز علاوه بر دیه مطرح است، هرچند ماده‌ی ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ از دیه‌ی مقدّر بحث را آغاز می‌کند. (در مقابل ماده‌ی ۴۴۹ همین قانون که از ارش به عنوان دیه‌ی غیر مقدّر یاد می‌کند) و یا ماده‌ی ۵۴۹ قانون مزبور صراحت دارد، موارد دیه همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه به تفصیل بر اساس نظر مقام معظم رهبری تعیین و اعلام می‌شود. شایان ذکر است مطابق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۱۹ سال ۱۳۷۶، تعیین مبلغی اضافه بر دیه با ماده‌ی مرقوم مغایرت دارد [۱۹]. بنابراین یکی از مباحث پر اهمیت در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور این است که تهیه‌کنندگان آن، آیا برای هر حادثه هسته‌ای حداکثر و یا سقف خسارت را تعیین می‌کنند؟ و در صورت پیش‌بینی آیا مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحدید مسئولیت را برای بهره‌بردار تصویب خواهند کرد؟

#### ۵. ۲ وجوه اشتراک و افتراق حقوق ایران و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در خصوص مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

در گفتارهای پیشین به قواعد فقهی، حقوق ایران و کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای وین اشاراتی کردیم و اینکه برخی از قواعد عام مسئولیت مدنی کشور و اصول حاکم بر کنوانسیون مذکور را مقایسه خواهیم کرد و در این راستا تلاش می‌کنیم اشتراکات و نقاط افتراق این دو مقوله را بررسی کنیم و سرانجام تا حدودی این نتیجه حاصل می‌شود که در صورت الحاق کشور به کنوانسیون مذکور چه خلأها و مشکلاتی از کشور رفع می‌شود و در مقابل، کشور ما چه تعهداتی را باید به عنوان یک عضو کنوانسیون مذکور بپذیرد؟

در اینجا ابتدا به برخی از مبانی نظری بحث و دیدگاه‌های حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی از قبیل تقصیر، خطر، تضمین حق و قابلیت انتساب سخن خواهیم گفت و سپس بعضی از مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین را جمع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و قواعد پیش‌گفته و قوانین و مقررات جاری کشور را تجزیه و تحلیل و متعاقب آن مقایسه می‌کنیم و به خلأهای قانونی

می‌کند که در مورد کشور ما این امر قاعداً باید در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور پیش‌بینی شود. به هر حال مطابق کنوانسیون مذکور هرگاه شرکت‌های دولتی نیز بهره‌بردار نیروگاه یا تأسیسات هسته‌ای باشند باید مسئولیت خود را در برابر خسارت هسته‌ای بیمه کنند و یا سایر تضمینات مالی را به واحد قانونی کشور متبوع خود ارائه دهند تا پروانه و مجوز برای فعالیت هسته‌ای مربوطه را دریافت کنند. با این حال، برخی از صاحب نظران نوشته‌اند: در مواردی که دولت یا یکی از ارکان آن، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای محسوب می‌شوند دیگر نیازی به ارائه‌ی بیمه یا تضمین مالی از سوی بهره‌بردار نخواهد بود [۱۷]. البته این موضوع محل تأمل است و از بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۷ کنوانسیون مورد بحث، که به طور مطلق بهره‌بردار را ملزم به بیمه یا تضمین مالی دیگر کرده است هم مشکل است چنین معافیتهای را برداشت کرد.

مورد دیگری که مطابق کنوانسیون یاد شده مشخص نشده است و در نتیجه با الحاق کشور به آن باید در قانون ملی مطرح شود، سقف حداکثری مسئولیت بهره‌بردار است. شایان یادآوری است در بند ۱-۵ کنوانسیون مقرر شده که دولت محل تأسیسات نمی‌تواند مسئولیت بهره‌برداری برای یک واقعه‌ی هسته‌ای را به کمتر از ۵ میلیون دلار آمریکا کاهش دهد. با این حال سقف حداکثری مسئولیت برای بهره‌بردار در این کنوانسیون دیده نمی‌شود. هرچند به اعتقاد برخی از اساتید، میزان حداکثر معین شده در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای «هر حادثه» اتمی پیش‌بینی شده است [۱۸]. جالب آنکه در قوانین و مقررات داخلی فعلی نیز به جز در موارد محدود، برای تعیین خسارت چنین سقفی دیده نمی‌شود و بیم آن می‌رود که در صورت پیش‌بینی سقف حداکثری در قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ملی موضوع مورد ایراد شورای نگهبان قرار گیرد. البته همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، آثاری از تحدید مسئولیت در قانون مجازات اسلامی (دیات) و یا قانون دریایی ایران دیده می‌شود مثل اینکه ماده‌ی ۷۷ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ مقرر می‌کند: میزان مسئولیت ۱- مالک کشتی می‌تواند مسئولیت خود را به شرح مذکور در ماده‌ی ۷۵ به مبالغ زیر محدود کند....



که این موضوع با تهیه و تصویب قانون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و آیین نامه اجرایی آن تحقق می‌یابد.

### ۳.۵ جایگاه حق شرط در کنوانسیون

در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حق تحفظ (تحدید تعهد) پیش بینی یا ممنوع نشده است ولی راجع به حل اختلاف به طور مجزا مثلاً در پروتکل اختیاری راجع به حل اختلاف اجباری (مصوب سال ۱۹۶۳) موضوع تصویب شده که کشور ما به آن نپیوسته است و ملحق نشدن به این پروتکل به دلایلی چون مشکلات اصل ۱۳۹ قانون اساسی اصلح است. لیکن در مفاد برخی مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، مانند جزء الف بند ۱ ماده‌ی ۱ در تعریف شخص (Person)، پیش بینی شده است که «شخص» به هر فرد، شرکت، مؤسسه‌ی خصوصی یا عمومی اطلاق می‌شود که بر اساس قانون دولت محل تأسیسات دارای شخصیت حقوقی است. یعنی قانون دولت، محل تأسیسات تعیین می‌کند که چه شخصی دارای چه حقوقی است یا موارد ۵ و ۶ آن که به دولت محل تأسیس یا قانون دولت محل تأسیس اختیاراتی داده است. به علاوه در ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، راجع به تنظیم حق شرط مقرراتی پیش بینی شده است<sup>(۶)</sup> (اگر چه مجلس کشور ما تاکنون آن را تصویب نکرده است) که به موجب آن یک کشور به هنگام امضاء، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند. مگر در صورتی که: الف - معاهده‌ی تحدید تعهد را ممنوع کرده باشد. ب- معاهده‌ی مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست مجاز است. ج- در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب» وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد. بنابراین با وجود سکوت کنوانسیون مذکور راجع به حق شرط، به استناد اصل اباحه و ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (حقوق معاهدات راجع به حق شرط) اعمال حق تحفظ برای برخی موارد در صورت الحاق کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، بلامانع به نظر می‌رسد.

به این ترتیب هنگام پیوستن به این معاهده، کشورها می‌توانند به پروتکل اختیاری راجع به حل اختلاف اجباری یاد شده ملحق نشوند، یا با حق شرط و یا بیانیه یک جانبه‌ای، خود را

و کاستی‌های قوانین موجود با توجه به دامنه‌ی گسترده و میزان فوق العاده خسارات ناشی از یک رویداد هسته‌ای (مثل چرنوبیل) و آسیب شناسی در حوزه‌ی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای از جنبه‌ی قانونی و حقوقی کشور اشاراتی خواهیم داشت. شایان یادآوری است امروزه قواعد قدیمی مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر و احراز رابطه‌ی سببیت برای مقررات این نظام با توجه به پیچیدگی فراوان به منظور اثبات تقصیر بهره‌بردار و تشخیص خوانده دعوی، پاسخگوی مناسب برای جبران خسارات هسته‌ای نیست و با اصل مسئولیت محض بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اهداف مورد نظر کنوانسیون مذکور منافات دارد. زیرا اهداف مهم مسئولیت مدنی هسته‌ای کنوانسیون مورد بحث از قبیل انتقال مسئولیت به بهره‌بردار در حوادث هسته‌ای، کانالیزه کردن مسئولیت مطلق به سوی بهره‌بردار، تعیین مبلغ حداقلی برای مسئولیت و بیمه و تعیین سقف برای مرور زمان در دعاوی جبران خسارت، پوشش بیمه‌ی اجباری و تضمین مناسب مسئولیت برای فعالیت هسته‌ای، صلاحیت قضایی دادگاه‌هایی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن رخ داده است و نبودن تبعیض در این کنوانسیون دیده می‌شود که در قوانین جاری کشور جایگاه مشابه زیادی ندارد. به علاوه فعلاً زمینه‌های حقوقی و اقتصادی لازم برای ایفاء و انجام آن‌ها فراهم نیست که در صورت الحاق کشور به کنوانسیون مذکور ناگزیر برخی از مشکلات پیش رو باید برطرف شود. البته مواردی در کنوانسیون مذکور دیده می‌شود که به دلایلی قابل پذیرش برای جمهوری اسلامی ایران نیست. بنابراین موضوع باید هنگام پیوستن کشور به کنوانسیون، به عنوان حق شرط (reservation) تعیین شده و در قوانین و مقررات داخلی به نحو مطلوب و بومی تصویب شود تا در نتیجه‌ی آن‌ها و با استفاده از اعمال حق تحفظ و اعلامیه‌ی تفسیری بتوان تا حدودی بار تعهدات کنوانسیون را تعدیل کرد.

وانگهی پیوستن کشور به کنوانسیون مورد بحث تابع ماده‌ی ۹ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «مقررات عهدی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد در حکم قانون است.» لکن اقدام و اجرای احکام و شرایط مندرج در کنوانسیون مذکور نیاز به قانون و مقررات داخلی خواهد داشت



نقل و یا کارفرما در مرحله‌ی اول جبران خسارت می‌کند در مرحله‌ی بعد می‌تواند طبق قواعد عام و آنچه در ادامه‌ی مواد مذکور اشاره شده، به عامل اصلی ورود خسارت مراجعه کند. به این ترتیب رگه‌هایی از هدایت مسئولیت در قوانین کشور مشاهده می‌شود. در کنوانسیون وین با استفاده از کانالیزه کردن مسئولیت هدایت مسئولیت به سوی بهره‌بردار، مقرر می‌کند و بهره‌بردار را به عنوان مسئول جبران خسارت هسته‌ای معرفی می‌کند و این امر موجب می‌شود در صورت الحاق کشور به سند مذکور دولت در مسیری قرار گیرد که در قانون داخلی خود مقررات ویژه‌ای پیش بینی کند تا با توجه به پیچیدگی‌های تعیین مسئول خسارت، بهره‌بردار به عنوان مسئول جبران خسارت هسته‌ای معرفی شود. به علاوه با عنوان اصل مداخله‌ی دولت برای جبران خسارات مازاد بر مسئولیت بهره‌بردار، از یک سو خسارات وارده بر زیان‌دیدگان جبران شود و از سوی دیگر بهره‌بردار از حمایت دولت در این راستا استفاده کند و از پشتوانه و تمایل بیشتری به فعالیت و سرمایه‌گذاری در این حوزه برخوردار شود.

#### ۵. ۵ مسئولیت مطلق بهره‌بردار

مطابق ماده‌ی ۴ کنوانسیون وین، مسئولیت بهره‌بردار مطلق است. یعنی زیان‌دیده برای مطالبه و دریافت خواسته‌ی خود ناگزیر نیست به افراد مختلف مراجعه کند و در جستجوی مقصر حادثه باشد یا خطا و قصور بهره‌بردار هسته‌ای را ثابت کند. همین قدر که ثابت کند خسارت وارده ناشی از فعالیت هسته‌ای بوده است و رابطه‌ی سببیت بین حادثه و خسارت هسته‌ای وجود دارد کافی است. مسئولیت مطلق و یا محض بهره‌بردار برای جبران خسارت هسته‌ای مطرح می‌شود و دلیل این امر چندان دشوار نیست. زیرا در زمینه‌ی حوادث هسته‌ای، اثبات خطای بهره‌بردار به دلیل ویژگی، پیچیدگی، سهمگینی و تخصصی، امری دشوار و گاهی در ابتدای امر غیرممکن است. بنابراین برای تسهیل جبران خسارت و طرح ادعای متضرر از حادثه‌ی هسته‌ای و حمایت بیشتر از وی، اطمینان از جبران خسارت هسته‌ای و مقبولیت و اعتماد مردم نسبت به برق اتمی، اصل مسئولیت مطلق بهره‌بردار هسته‌ای در کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، پیش‌بینی شده است (بند ۱ ماده‌ی ۴). در بند ۱ و ۵ ماده‌ی ۲ همین کنوانسیون نیز

از بخشی از مقررات کنوانسیون مذکور معاف کنند. در مورد کشور ما با توجه به قانون داخلی می‌توان حق شرط‌هایی هنگام پیوستن کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح کرد. مانند اینکه با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، مواردی که صریحاً مغایر موازین اسلامی است را به عنوان تحدید تعهد مطرح کرد یا در مورد مرور زمان اسقاط طرح دعوی (با توجه به نظریات شورای نگهبان) که ماده‌ی ۶ کنوانسیون مورد بحث به آن پرداخته است، کشور حق تحفظ اعمال یا اعلامیه تفسیری ارائه کند.

#### ۵. ۴ هدایت خسارات به سوی بهره‌بردار

نظر به اینکه در کشور ما فعلاً بهره‌بردار و دولت مالک محل تأسیسات هسته‌ای است، در نتیجه هدایت مسئولیت مطلق به بهره‌بردار، به سوی شرکت دولتی دارنده‌ی پروانه است و در این راستا مصونیت قضایی دولت براساس قواعد داخلی و بین‌المللی قابل طرح نخواهد بود. در این خصوص ابتدا باید دید آیا اگر کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ملحق شود و مسئولیت جبران خسارت به سوی بهره‌بردار هدایت گردد، تأسیس حقوقی جدیدی در کشور پدیدار شده است؟ یا این امر در قوانین کشور بی سابقه نیست؟ در این جا به دو نمونه‌ی از قوانین جاری کشور اشاره می‌کنیم و آنگاه به احکام کنوانسیون در این خصوص می‌پردازیم. نمونه‌ی نخست ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت است به موجب این ماده: متصدی حمل و نقل، مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل‌کننده‌ی دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است. به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که در اینجا و در ابتدای امر، کانالیزه شدن خسارت به سوی متصدی حمل و نقل، دیده می‌شود. به بیان دیگر، متصدی حمل و نقل مسئول است هر چند حمل و نقل را دیگری انجام داده است. نمونه‌ی دوم که در مباحث گذشته به آن اشاره کردیم ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی است که در آنجا هم کارفرمایانی که مشمول قانون کار می‌باشند مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. البته این موارد با هدایت خسارت به سوی بهره‌بردار مطابقت کامل ندارد. زیرا اگر متصدی حمل و



کنوانسیون مذکور به این نتیجه‌ی مهم می‌رسیم که شناسایی مسئول جبران خسارت سهمگین هسته‌ای زیان‌دیدگان در کشور بر اساس قانون عام مسئولیت مدنی، با توجه به عمق و ابعاد گوناگون خسارت هسته‌ای که ممکن است بعضی از آثار خود را بعداً هم نشان بدهد، بسیار دشوار است و کافی و وافی به مقصود نیست. پیروی از نظریه‌ی خطر که تا حدودی مبنای مسئولیت وارده به اشخاص (به ویژه شخص ثالث) است و هدایت خسارت به سوی بهره‌بردار هسته‌ای، الحاق به کنوانسیون مورد بحث (با وجود مشکلاتی که ممکن است پیوستن به آن در پی داشته باشد) را توجیه می‌کند و به مصلحت کشور خواهد بود که برخی از مسائل و مواد را با ایجاد حق تحفظ در هنگام الحاق به کنوانسیون و تهیه و تصویب قانون داخلی مسئولیت مدنی مانند فنلاند، اوکراین و رومانی<sup>(۷)</sup> و حتی هند می‌توان رفع و بومی کرد [۲۰].

در این خصوص برخی معتقدند، برای مسئول دانستن بهره‌بردار یک فعالیت راجع به خسارات ناشی از فعالیت باید نظریه‌ی خطر پذیرفته شود و راجع به صرف اثبات رابطه‌ی سببیت برای تحمیل مسئولیت، توضیح می‌دهند که در این مورد باید بین "فعل" و "فعالیت" تفاوت قائل شد. ما قرار است بهره‌بردار تأسیسات اتمی را بشناسیم؛ آنچه در مورد عدم نیاز به تقصیر و صرف اثبات رابطه‌ی استناد برای تحمیل مسئولیت گفته شده، تنها جایی می‌تواند استفاده شود که شخصی با "فعل" خود باعث ایجاد زیان شده باشد؛ مانند کندن چاه، آتش روشن کردن، ضربه زدن و غیره. اما جایی که شخصی، فعالیت راه می‌اندازد و عده‌ی زیادی کارگر و کارمند دارد و تأسیسات و دستگاه‌هایی را به کار می‌گیرد. اگر از این فعالیت به کسی زیان برسد، نمی‌توان به راحتی بهره‌بردار آن فعالیت را مسئول دانست. چراکه ممکن است ورود زیان ناشی از فعل کارگران یا از نقص تأسیسات و یا عوامل دیگر باشد و در عمده‌ی موارد نتیجه‌ی فعل بهره‌بردار نیست. حتی ممکن است نفس فعالیت چنین اقتضایی داشته باشد و فعل هیچ کس اثری در آن نداشته باشد. برای مسئول دانستن بهره‌بردار یک فعالیت راجع به خسارات ناشی از آن فعالیت، باید نظریه‌ی خطر پذیرفته شده باشد [۲۱].

بیان شده است که در مجموع به محض اینکه ثابت شود خسارت هسته‌ای در نتیجه‌ی حادثه هسته‌ای (تحت شرایطی) در تأسیسات هسته‌ای، رخ داده است، بهره‌بردار این تأسیسات در قبال خسارت مذکور مسئولیت خواهد داشت. این احکام را اگر با نظریات فلسفی مسئولیت مدنی مقایسه کنیم شبیه نظریه‌ی خطر است. زیرا در نظریه‌ی مذکور همان‌گونه که قبلاً بررسی کردیم، تقصیر کلاً از مبنای مسئولیت مدنی خارج شده و اصل بر مسئولیت فاعل یا مالک اشیاء قرار داده شده است. با این توجیه که چون بهره‌بردار محیط خطرناکی به وجود آورده است و در مقابل انتفاع شخصی، باید مسئول جبران خسارت هم باشد (به جز موارد استثنا که به موجب آنها بهره‌بردار از مسئولیت و جبران خسارت مبرا است). شبیه چنین نظریه‌ای که مسئولیت را در برابر سودجویی قرار داده است، در فقه نیز دیده می‌شود و به موجب آن کسی که از مالی بهره می‌برد خسارت هم به عهده‌ی اوست (من له الغنم فعلیه الغرم). مسئولیت بهره‌بردار و هدایت یا کانالیزه شدن مسئولیت هسته‌ای به سوی بهره‌بردار، به جز منافعی که به آن‌ها اشاره شد، این اثر را نیز خواهد داشت که بهره‌بردار برای پیشگیری از ورشکستگی خویش در صورت حدوث حادثه‌ی هسته‌ای و بروز مشکلات لاینحل برای خود و خسارت دیده، ناگزیر می‌شود مسئولیت خویش را بیمه کند. یعنی بهره‌بردار حق بیمه‌ی پرداختی را جزء هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده محسوب می‌کند و این امر منجر به هدایت زیان دیده (در صورت بوجود آمدن خسارت هسته‌ای) به سوی شرکت بیمه که اصولاً برای چنین اهدافی تأسیس شده، خواهد گردید. اگر بخواهیم هدایت خسارت هسته‌ای به سوی بهره‌بردار و مسئولیت مطلق را با شرایط کنونی و قوانین و مقررات داخلی (قبل از الحاق به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین) مقایسه کنیم ضمن توجه به اصولی که در حقوق ایران مطرح است مانند نظریه‌ی تقصیر که مبنای مسئولیت در حقوق ایران تلقی می‌شود (مثل ماده‌ی ۳۳۱ قانون مدنی) و ضمانت اجرای آن جبران خسارت توسط مقصر است و نظریه‌ی خطر با قاعده‌ی اتلاف که مطلقاً و بدون تقصیر متلف را ضامن می‌داند (ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی) و نیز قاعده‌ی لاضرر قابل قیاس خواهد بود که این ماده با لایحه‌ی مسئولیت مدنی مغایر نیست و با مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی هم توجیه می‌شود. با این حال، در مقایسه‌ی مفاد





## ۵. ۶ مرور زمان

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، باب یازدهم در مورد مرور زمان بحث می‌کرد. در مورد تعریف مرور زمان ماده‌ی ۷۳۱ قانون مذکور مقرر کرده بود: مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضاء آن، دعوی شنیده نمی‌شود. در این قانون مواعیدی از یک سال تا بیست سال پیش‌بینی شده بود. برای نمونه ماده‌ی ۷۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی مذکور صراحت داشت که در کلیه‌ی دعاوی راجع به اموال اعم از منقول و غیرمنقول و دیون و منافع و محصول و اسباب تملک و ضمان و دعاوی دیگر، مدت مرور زمان ده سال است به استثناء مواردی که در این قانون و یا سایر قوانین مدت دیگری برای مرور زمان قرار داده شده است. مانند ماده‌ی ۷۵۷ این قانون که به موجب آن نسبت به املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده است مرور زمان جاری نمی‌شود.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۱ به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان مواد ۷۳۱ به بعد در مورد مرور زمان که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳ سال، ۱ سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف موازین شرع تشخیص داده شد [۲۲]. هرچند در مقابل اکثریت، اقلیتی هم وجود داشته‌اند که معتقد به مرور زمان بوده‌اند. بنابراین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ [۲۳] موضوع و باب مذکور از قانون آیین دادرسی مدنی حذف شد. در واقع این قانون در خصوص مرور زمان سکوت کرده است. البته بحث مرور زمان در قوانین دیگر مانند حقوق تجارت و قوانین کیفری هم مطرح است که از پرداختن به آنها به دلیل عدم ارتباط مستقیم با موضوع (به جز در موارد ضروری) صرف نظر می‌کنیم. مانند اینکه در ماده‌ی ۳۹۳ قانون تجارت مرور زمان یک ساله‌ی دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل پیش‌بینی شده است. اما جالب آنجاست که همین شورا در پاسخ به این پرسش که آیا اطلاق نظریه‌ی شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است می‌شود، جواب منفی داده است<sup>(۸)</sup>.

البته مرور زمان انواع مختلفی دارد و اگر از منظر کلی به آن بنگریم در موارد فراوانی در فقه و حقوق پذیرفته شده است. مانند اینکه در عده‌ی طلاق، وفات همسر، برخی از اختیارات در قانون مدنی و مهلت تجدیدنظر خواهی در آیین دادرسی، قانون تجارت و در قانون مجازات اسلامی مرور زمان تعقیب جرائم موجب تعزیر در مواد ۱۰۵ لغایت ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۹۲) ملاحظه می‌شود که با مرور زمان به معنای عام آن مربوط است. اما در اینجا بحث از مرور زمان اسقاط دعوی مطرح بوده است که بیشتر با هدف ایجاد و حفظ نظم عمومی و مصالح جامعه در قوانین پیش‌بینی شده است. به این ترتیب می‌توان گفت دو نوع دعوی مشمول بحث ما صرف نظر از دلایل و توجیهاات موافقین و مخالفین راجع به مرور زمان خواهد بود. نخست دعاوی حقوقی مشمول نظریه‌ی شورای نگهبان بجز آنچه استثنای آن است و دوم دعاوی کیفری به جز آنچه مشمول مرور زمان تعقیب جرائم موجب تعزیر خواهد بود.

با این توضیح معلوم می‌شود که مرور زمان اصولاً در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم (چه در امور مدنی یا کیفری) مطرح می‌شود و ماهیتاً صبغه‌ی آیین دادرسی دارد. زیرا اگر مدت‌ها بگذرد و خواهان یا شاکی مبادرت به مطالبه‌ی مال و یا شکایت کیفری نکند، قوه‌ی قضائیه از استماع به دعوی و رسیدگی به آن به استناد مرور زمان مربوطه خودداری می‌کند، هرچند سرانجام سلب حق اقامه‌ی دعوی ممکن است نفی صریح مالکیت برای مدعی یا شاکی را در پی داشته باشد. به این ترتیب وظیفه‌ی تدوین و تصویب کنندگان قانون مسئولیت مدنی داخلی است که به این مهم توجه کنند و هنگام تدوین آن، یا الحاق کشور به کنوانسیون مورد بحث حق شرط یا اعلامیه‌ی تفسیری اعمال و مشکل رفع شود.

شایان ذکر است صرف نظر از قوانین قبل از انقلاب اسلامی که شورای نگهبان در مواردی به آن ایراد نگرفته است، حتی در قوانین مصوبه مجلس پس از انقلاب اسلامی نیز مواردی دیده می‌شود که در آن‌ها مرور زمان پیش‌بینی شده است ولی شورای نگهبان آن‌ها را مغایر موازین شرعی تلقی نکرده است. به عنوان نمونه می‌توان به مهلت‌های ۳ روزه، ۵ روزه، یک هفته‌ای، ۱۰ روزه، ۲۰ روزه، ۱ ماهه، ۲ ماهه، و ۲ ساله در قوانین اخیراً تصویب شده مانند قانون آیین دادرسی مدنی اشاره کرد. به هر حال با توجه



زمان در اینجا یک نوع امتیاز و مزیت برای بهره‌بردار محسوب می‌شود، و الا بهره‌بردار همیشه نگران از طرح دعاوی است که منشأ آن سالیان دور بوده و مدت پوشش بیمه‌ی آن هم سپری شده است. به علاوه، اصولاً بیمه، مسئولیت نامحدود از جهت مبلغ و زمان را نخواهد پذیرفت و هرچه زمان از تاریخ حادثه بگذرد، اثبات اینکه زیان وارده به خواهان، ناشی از چنین حادثه‌ای بوده است، دشوارتر خواهد شد و آثار و دلایل اثباتی محدود می‌شوند. به این ترتیب وجود مرور زمان برای ذینفع و بهره‌بردار تا حدودی مناسب و سودمند خواهد بود. بنابراین اگر کشور با الحاق به این کنوانسیون مرور زمان ۱۰ ساله از تاریخ وقوع حادثه هسته‌ای را بپذیرد و در قانون داخلی خود هم پیش بینی کند، این بحث مطرح می‌شود که آیا شورای نگهبان با توجه به سابقه‌ی فقهی لزوم جبران خسارت و قواعد لاضرر و اتلاف و تسبیب و قانون اساسی، مرور زمان طرح دعوی را مغایر موازین شرعی خواهد شناخت؟ در این صورت بین اقامه‌ی دعوی جبران خسارت توسط زیان‌دیدگان از حادثه‌ی هسته‌ای در قلمرو کشور و سایر همسایگان و اتباع آن‌ها، آیا می‌توان قائل به تفکیک شد و در قانون داخلی مرور زمان طرح دعوی را تنها برای کشورهای بیگانه و اتباع آنها پیش بینی کرد و برای اشخاص موجود در کشور مرور زمان قائل نشد؟ هرچند که این امر با ماده‌ی ۱۳ این کنوانسیون مواجه می‌شود که به موجب آن، این کنوانسیون و قانون ملی حاکم بر اساس آن، بدون اعمال هرگونه تبعیض بر اساس ملیت اقامت و یا سکونت اعمال خواهد شد. به هر رو به این پرسش‌ها به هنگام پیوستن به کنوانسیون با حق شرط می‌توان پاسخ داد یا در تدوین و تصویب قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور مدنظر قرار داد، اما به شرطی که مغایر روح و احکام آمره‌ی سند مورد بحث نباشد. البته این مسئله وجود دارد که با پذیرش کنوانسیون، در صورت بروز حادثه‌ی هسته‌ای و پرداخت مبالغ خسارت به زیان‌دیدگان مثلاً طی دو سال، وجود مرور زمان برای کسانی که پس از تقسیم همه‌ی حق برداشت ویژه، اقامه‌ی دعوی می‌کنند، چه سودی برای خواهان دارد، زیرا در صورت محکومیت بهره‌بردار، به جز حداقل حقوق برداشت ویژه‌ی مقرر، ظاهراً وی دیگر مسئولیتی ندارد.

به نظر اقلیت فقهای شورای نگهبان که در نظریه سال ۱۳۶۱ (راجع به شرعی نبودن مرور زمان اقامه‌ی دعوی مدنی) ابراز شده و مستند فقهی این دسته و مصلحت وجود مرور زمان در مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور، شاید این اشکال مطرح نشود یا رفع شود. پس از مرور وضعیت مرور زمان در قوانین کشور مناسب است این موضوع را که در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت در قبال خسارات هسته‌ای هم وجود دارد و احتمال الحاق کشور به آن بعید نیست هم بررسی و مقایسه شود، هرچند کنوانسیون‌های دیگر حاکم بر جبران خسارت هسته‌ای هم بر همین اساس عمل کرده‌اند و طرح دعوی علیه بهره‌بردار را پس از مدت زمان مشخص غیرممکن دانسته‌اند. در ماده‌ی ۶ کنوانسیون مذکور در ۵ بند نسبتاً طولانی، مرور زمان پیش بینی شده است. به موجب بند نخست این ماده، چنانچه دعوی ظرف ده سال از زمان واقعه‌ی هسته‌ای اقامه نشود، حق جبران خسارت به موجب این کنوانسیون منتفی می‌شود.

مسئولیت مدنی بهره‌بردار نیروگاه‌های هسته‌ای را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. از یک بُعد بهره‌بردار چه دولتی و یا خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت سودآور و انرژی پاک از نظر مسئولیت ممکن است لااقل دو نگرانی عمده داشته باشد. نخست جبران خسارت احتمالی ناشی از فعالیت صلح آمیز که متحمل می‌شود و از طریق بیمه کردن مسئولیت و حمایت دولت تا حدودی این نگرانی کاهش و حتی رفع می‌شود.

دوم آنکه آثار ناشی از حوادث هسته‌ای یا از کار کارکنان بهره‌بردار با پرتو، که به هر دلیلی ممکن است در دراز مدت رخ دهد و پس از گذشت سال‌ها از وقوع حادثه، آثار خود را نمایان کند، بنابراین راجع به محدودیت زمانی برخی از صاحب‌نظران نوشته‌اند: با توجه به این واقعیت که بروز آسیب جسمانی ناشی از آلودگی پرتوی نمی‌تواند در مدتی کوتاه پس از حادثه‌ی هسته‌ای ممکن شود، تعیین مدت زمانی کوتاه (برای اقامه‌ی دعوی خسارت) ناعادلانه است. از سوی دیگر مشکل اثبات اینکه خسارت پرتوی بلند مدت به واسطه‌ی یک منبع پرتوی معین بوده است، منجر به تعیین مدت زمان کوتاه‌تر از زمان‌هایی می‌شود که به طور معمول بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی (برای اقامه‌ی دعوی) تعیین شده است [۲۴]. به این ترتیب وجود مرور



### ۳.۶. ۱ بند دوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون

این بند ناظر به اموال منقول یعنی خسارت ناشی از ماده‌ی هسته‌ای است که هنگام حادثه‌ی هسته‌ای سرقت، مفقود، رها و یا دور ریخته شده است. در قانون داخلی کشور هر یک از موارد فوق صرف نظر از خسارت هسته‌ای که از فعل یا ترک فعل مرتکب ناشی می‌شود احکامی دیده می‌شود، مانند اینکه سرقت تعریزی (نه حدی)، مجازات خاص خود را با لحاظ شرایط دارد. شاید اگر مفقود به مفهوم گم کردن یا رها و دور انداختن مال باشد برای مالک آن مجازاتی نباشد. اما در مورد ماده‌ی هسته‌ای این گونه نیست و به دلیل ویژگی عوارض آن مقررات خاصی حتی در شرایط کنونی و جدای از بحث کنوانسیون، در قوانین داخلی دیده می‌شود، مثل اینکه طبق مفاد بند ۲ و ۳ ماده‌ی ۸ قانون حفاظت در برابر اشعه (مصوب سال ۱۳۶۸): دارندگان پروانه یا قائم مقام قانونی آن‌ها و نیز کلیه‌ی افرادی که به لحاظ وظیفه‌ی شغلی یا منابع مولد اشعه در ارتباط هستند مکلفند مفقود شدن و یا سرقت منابع مولد اشعه، یا هر گونه حادثه، اخلال، عیب و یا تغییرات در رابطه با منابع مواد اشعه که احتمال افزایش مخاطرات بالقوه‌ی پرتوگیری افراد را دربرداشته باشد، بلافاصله به واحد قانونی (سازمان انرژی اتمی ایران) اطلاع دهند. و گرنه به مجازات مقرر در بند ۴ ماده‌ی ۱۸ قانون مذکور محکوم خواهند شد. اما راجع به بحث مرور زمان، مطالبه‌ی خسارت هسته‌ای که ناشی از سرقت، مفقودی، دور ریختن یا رها شدن ماده‌ی هسته‌ای در زمان و متضمن واقعه‌ی هسته‌ای، فارغ از بحث کیفری آن‌ها در این جا مورد بحث و حکم قرار گرفته است که مانند سایر موارد، در قوانین و مقررات و حقوق داخلی کشور برای آن مرور زمانی دیده نمی‌شود. اما در بند ۲ ماده‌ی ۶ کنوانسیون، مرور زمان از تاریخ وقوع حادثه‌ی هسته‌ای محاسبه می‌شود که به موجب قسمت آخر آن به هیچ وجه بیشتر از یک دوره‌ی بیست ساله از تاریخ سرقت، مفقود شدن، دور ریختن یا رها شدن ماده‌ی هسته‌ای نخواهد بود. به هر حال در این جا بحث ورود خسارت ناشی از جرم به موجب ماده‌ی ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که در آن دادگاه ضمن صدور رأی کیفری در مورد مرتکب بزه، راجع به زیان خصوصی نیز رأی می‌دهد، این مطلب هم مطرح خواهد گردید، که بحث مرور زمان آن متفاوت از مطالبه و

موضوع دیگری که در کنوانسیون مزبور در آخر بند ۱ ماده‌ی ۶ در مورد مرور زمان مطرح می‌کند آنست که اگر دعوی در مورد حادثه‌ی هسته‌ای منجر به فوت یا آسیب بدنی قبل از ده سال (مرور زمان) علیه بهره‌بردار طرح شده باشد، مشمول مرور زمان ده ساله نمی‌شود. (مفهوم مخالف آن اینست که اگر بعد از ۱۰ سال از واقعه طرح شده باشد، مشمول مرور زمان خواهد شد) نکته قابل توجه این است که خسارات مالی مشمول این استثنا نمی‌شود و این امر صرفاً خسارات جانی و بدنی را شامل خواهد شد و اقامه‌ی دعوا برای دریافت خسارات مالی ۱۰ سال پس از واقعه‌ی هسته‌ای قابل استماع نیست.

به هر حال در بند ۱ ماده‌ی ۶ کنوانسیون آنچه باید دید آنست که کشور هنگام پیوستن به این کنوانسیون چه شیوه‌ای را بر می‌گزیند. آیا عیناً کنوانسیون را بدون کم و کاست و اعلام حق تحفظ قبول می‌کند، یا رزرو قائل می‌شود، یا طبق قانون داخلی مرور زمان را برای طرح دعوی برای کلیه‌ی اشخاص پیش بینی نمی‌کند و یا برای این امور در قانون ملی مقررات و احکام بومی را با توجه به منافع مردم و بهره‌بردار و سیاست‌های هسته‌ای کشور تدوین و تصویب می‌کند و شورای نگهبان از نظر شرعی و فقهی و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس مصالح کشور و نظام اسلامی در این خصوص تصمیم شایسته اتخاذ خواهد کرد تا در کنار جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان، در صورت رخداد هسته‌ای، بهره‌برداران اعم از دولتی، عمومی و خصوصی نیز انگیزه‌ی کافی برای شروع و تداوم احداث نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای داشته باشند و از طرفی این امر موجب می‌شود کشور با اهداف کنوانسیون که رسیدن به نوعی اجماع کلی در زمینه‌ی هماهنگ‌سازی قوانین مسئولیت مدنی در خصوص جبران خسارت هسته‌ای که اعتماد عموم مردم نسبت به برق هسته‌ای و دیدگاه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است نزدیک گردد.

بند دوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون مذکور خسارت هسته‌ای ناشی از واقعه‌ی هسته‌ای را مطرح می‌کند که ماده‌ی هسته‌ای در زمان واقعه‌ی هسته‌ای به سرقت رفته، مفقود شده، دور ریخته شده و یا رها شده است و مرور زمان این موارد را بیش از یک دوره‌ی بیست ساله از تاریخ سرقت، مفقودی، دور ریختن و یا رها شدن از زمان واقعه‌ی هسته‌ای نمی‌داند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.



مسئولیت کیفری وی، مگر موارد استثناء که بحث مطالبه و دریافت خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل مجرمانه شخصی، به وسیله‌ی زیان‌دیده ادعا می‌شود. البته مرور زمان مندرج در این بند نیز نا محدود نیست. بلکه مطابق قسمت پایانی بند ۳ فراتر از دوره‌ی معین شده در بندهای ۱ و ۲ این ماده نباید حسب مورد از ۱۰-۲۰ سال فراتر رود. نکته‌ی قابل توجه در این بند آن است که اگر مدت معینی در قانون ملی پیش‌بینی شود همان بازه‌ی زمانی لازم الاجراست. در هر حال زمان شروع مرور زمان از زمان آگاهی یا زمانی که منطقاً و عقلاً باید زیان‌دیده اطلاع می‌داشت خواهد بود. به علاوه آگاهی زیان‌دیده از خسارت و مسئولیت بهره‌بردار مندرج در این ماده نیز اهمیت دارد که عقل و علم و تخصص و قرائن و عرف منطقی موجود می‌تواند تعیین کننده باشد.

به این ترتیب در خصوص این بند هم مانند بندهای ماده‌ی ۶ معاهده‌ی مورد بحث، قانون کشور به عنوان قانون دادگاه صالح در قانون ملی کشور باید راجع به مرور زمان مندرج در بند ۳ این ماده تصمیم بگیرد، که به نظر می‌رسد فقدان مرور زمان با وضعیت فعلی و حاکم بر مسئولیت مدنی کشورمان سازگارتر است و به ضرورت می‌توان نسبت به مرور زمان ماده‌ی ۶ مذکور حق تحفظ برای کشور پیش‌بینی کرد. نیز می‌توان در قانون داخلی، با رعایت موازین شرعی، راه حل مناسب با مصالح کشور، حمایت بیمه و دولت راجع به این مرور زمان تصمیم شایسته اتخاذ کرد.

#### ۶. صلاحیت قضایی دادگاه صالح در قلمرو جغرافیایی

اگر در داخل کشور صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی از اهمیت ویژه‌ی بخصوص از نظر محلی برخوردار است، تعیین دادگاه صالح و واحد، برای رسیدگی به دعاوی ناشی از حوادث و خسارات هسته‌ای نیز به طریق اولی اهمیت دارد. زیرا از یک طرف مسئولیت مدنی هسته‌ای از نظام خاصی پیروی می‌کند (واصولی چون مسئولیت انحصاری و هدایت به سوی بهره‌بردار بر آن حاکم است) و از سوی دیگر ممکن است خواهان دعوی، خارج از قلمرو کشور محل تأسیسات بهره‌بردار قرار داشته باشد. وانگهی مطابق بند یک ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی در قبال هسته‌ای (۱۹۶۳ وین): صلاحیت براساس ماده‌ی ۲ (مسئولیت بهره‌بردار در

دریافت خسارت از طریق قوانین داخلی و کنوانسیون یاد شده است. ولی در هر حال تکلیف مرور زمان مندرج در این بند هم در کنار سایر بندها باید در قانون ملی و هنگام پیوستن کشور به کنوانسیون مزبور به صورت پیش‌بینی حق تحفظ و یا اعلامیه‌ی تفسیری معلوم شود.

#### ۳. ۶. ۲. بند سوم ماده‌ی ۶ کنوانسیون

در مباحث گذشته اشاره کردیم که بروز آسیب بدنی که از حادثه‌ی هسته‌ای یا پرتوگیری بروز می‌کند، ممکن است در دراز مدت رخ دهد. بنابراین تعیین مرور زمان کوتاه مدت برای اقامه‌ی دعوی زیان‌دیده، عادلانه نیست و شاید به همین دلیل است که کنوانسیون مذکور در بند ۳ ماده‌ی ۶ پیش‌بینی کرده است که قانون دادگاه صالح می‌تواند دوره‌ی انقضا یا مرور زمان طرح دعوی را تا حداقل ۳ سال از تاریخی که زیان‌دیده‌ی هسته‌ای از ورود زیان و بهره‌بردار مسئول جبران زیان آگاهی پیدا کرد یا باید آگاهی می‌داشت تعیین کند. البته این بحث در آیین دادرسی مدنی ما ساکت است و به دلیل فقدان مرور زمان حقوقی در شرایط کنونی در قانون، به عنوان قانون دادگاه صالح تعیین مدت مطرح نیست مگر آنکه کشور به همین نحو کنوانسیون را بپذیرد و یا در قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای کشور پیش‌بینی کند. مانند کشور فنلاند که در ماده‌ی ۲۲ قانون مسئولیت هسته‌ای خود پیش‌بینی کرده است که دعوی جبران خسارت علیه بهره‌بردار ظرف ۳ سال از تاریخ وقوف زیان‌دیده به خسارت وارده اقامه دعوی نشده باشد یا از تاریخی که او منطقاً می‌باید از ورود خسارت به خود و مسئولیت بهره‌بردار آگاهی داشته است. چنانچه دعوایی علیه بهره‌بردار یا بیمه‌گرش ظرف ۱۰ سال از تاریخ انقضاء این مهلت مطرح شود، این جبران خسارت هسته‌ای از بین خواهد رفت [۲۵]. شایان ذکر است که برابر ماده‌ی ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی: در جرائم تعریزی قابل گذشت هر گاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکنند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود ... (مگر موارد پیش‌بینی شده). اما این ماده ناظر بر جرم آتی است و مهم‌تر این که معمولاً در حوادث هسته‌ای بحث عنصر معنوی جرم توسط بهره‌بردار وجود ندارد و اگر موضوع طرح دعوی و مرور زمان در این بند و سایر بندها ذکر شده، هدف مسئولیت مدنی بهره‌بردار است، نه



این ماده بیشتر و ملموس تر شد، چرا که آثار سوء این سانحه و خسارات ناشی از آن، محدود به محل حادثه و به اوکراین نشد، از مرز این کشور گذشت و به بسیاری از کشورها حتی به سرزمین ما هم رسید. البته ظاهراً به دلیل این که اتحاد جماهیر شوروی سابق در کنوانسیون‌ها مربوط در زمان وقوع حادثه عضو نبوده، دعاوی جبران خسارت از سوی زیان دیدگان نیز مطرح نشده است.

بند نخست ماده‌ی ۱ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون یاد شده به خوبی مرجع رسیدگی را مشخص و پیش بینی کرده است: به غیر از مواردی که در این ماده به گونه‌ی دیگری مقرر شده است، نسبت به دعاوی اقامه شده به موجب ماده‌ی ۲ (درخصوص مسئولین بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای)، تنها دادگاه‌های طرف متعهده‌ی که در سرزمین آن واقعه‌ی هسته‌ای رخ داده است، صلاحیت رسیدگی دارد.

جالب است که در برخی کشورها مانند هند (طبق مفاد فصل ۵ قسمت ۱۹ لایحه‌ی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای ۲۰۱۰)، در رابطه با صدمه یا خسارت ناشی از یک حادثه‌ی هسته‌ای، اگر دولت مرکزی لازم بداند که در راستای تحقق منافع عمومی چنین ادعایی برای خسارت از نظر حقوقی و قانونی وجود دارد، آن را به کمیسیون موجود در کمیته‌ی ادعاها ارجاع و محول می‌کند و می‌تواند با اطلاع رسانی لازم برای تحقق این لایحه، به تأسیس چنین کمیسیونی اقدام کند. برابر ماده‌ی ۲۰ قانون مذکور، کمیسیون باید از یک رئیس کل و چند عضو که تعداد آنان بیش‌تر از ۶ نفر نباشد توسط دولت مرکزی تشکیل و تعیین شود. رئیس و سایر اعضای کمیسیون باید براساس پشتیبانی و توصیه‌ی یک کمیته، گزینه‌ای متشکل از ۳ کارشناس با حداقل ۳۰ سال تجربه در علوم هسته‌ای و یک قاضی بازنشسته (دادگاه) دیوان عالی کشور منصوب شوند<sup>(۹)</sup>.

بند ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون مورد بحث به موردی می‌پردازد که حادثه‌ی هسته‌ای در خارج از سرزمین طرف‌های متعاقد یا در محلی رخ می‌دهد که به طور دقیق مشخص نیست. در این صورت هم صلاحیت رسیدگی به دعاوی با دادگاه‌های دولت محل تأسیسات بهره‌بردار مسئول خواهد بود و این امری منطقی است. زیرا، برای یک حادثه‌ی هسته‌ای، صرفاً یک دادگاه برای رسیدگی به دعاوی و جبران خسارت هسته‌ای صالح است.

برابر خسارت هسته‌ای)، تنها با دادگاه طرف متعهده‌ی خواهد بود که در قلمرو آن واقعه‌ی هسته‌ای رخ داده است، مگر اینکه به نحو دیگری در این ماده مقرر شده باشد. حتی طبق مفاد بند ۲ همین ماده در مواردی که حادثه هسته‌ای در خارج از سرزمین طرف‌های متعاقد یا در مکانی رخ دهد که به طور دقیق قابل تشخیص نیست (که در قلمرو جغرافیائی کدام کشور است)، در این صورت هم صلاحیت رسیدگی به دعاوی با دادگاه‌های دولت محل تأسیسات بهره‌بردار، خواهد بود (قلمرو به معنای عام که شامل خشکی و دریای سرزمینی هم می‌شود). تا آنجا که برخی نوشته‌اند مطابق اصل انحصاری دادگاه: فقط دادگاه کشوری که سانحه‌ی هسته‌ای در آن به وقوع پیوسته است، صلاحیت انحصاری بررسی کلیه‌ی پرونده‌ها را دارد. هر کشور عضو کنوانسیون لازم است تا اطمینان حاصل کند که تنها یک دادگاه صلاحیت بررسی کلیه پرونده‌های مرتبط با یک سانحه‌ی هسته‌ای را داراست [۲۶]. از بند ۲ مذکور برداشت می‌شود که اگر نتوان مکان حادثه‌ی هسته‌ای را دقیقاً معلوم کرد، باز هم دادگاه کشوری صالح به رسیدگی است که بهره‌بردار بر آن نظارت و کنترل دارد. از نظر قوانین داخلی، طبق قسمت نخست ماده‌ی ۹۷۱ قانون مدنی دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین، مراجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شود و براساس ماده‌ی ۹۷۵ همین قانون، محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را به موقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد. البته جزء «ث» بند ۱ ماده‌ی ۱ کنوانسیون مذکور در تعریف قانون دادگاه صالح، به دادگاهی اطلاق می‌شود که به موجب این کنوانسیون دارای صلاحیت است از جمله هر قاعده‌ای از قانون مزبور که مربوط به تعارض قوانین است.

یکی از نکات پراهمیت در اینجا عبارت: قانون دولت محل تأسیسات (The Law of Installation State) است که در جزء ۲ بند "ذ" (خسارت هسته‌ای) مقرر می‌کند: هر نوع زیان یا خسارت به وجود آمده‌ی دیگر به میزانی که قانون دادگاه صالح مقرر می‌کند. ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون مذکور تا حدودی در ۳ بند حق و تکلیف طرفین از نظر اینکه چه دادگاهی صلاحیت رسیدگی به دعاوی ناشی از حادثه هسته‌ای را دارد، پاسخ داده است. پس از حادثه‌ی هسته‌ای نیروگاه چرنوبیل اوکراین، اهمیت



داخلی کشورها هم تناسب دارد به نحوی که در کشور ما اصولاً خواهان طبق ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی جهت اقامه‌ی عمومی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه می‌کند و برابر مفاد ماده‌ی ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه محل وقوع جرم اصولاً صالح به رسیدگی است.

آخرین بحثی که مناسب است در مورد صلاحیت قضایی دادگاه در قلمرو جغرافیایی بیان شود، حکم نهایی (یا لازم الاجراء) است که از دادگاه صلاحیت‌دار بر اساس ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون صادر می‌شود. این امر در ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون مذکور مطرح شده است. این ماده می‌خواهد حکم کند که آرای صادر شده از دادگاه صالح، در سایر کشورهای عضو باید اجرا شود مگر در سه مورد که در بندهای الف، ب و پ این ماده احصاء شده‌اند. یعنی اگر حکم از طریق تقلب تحصیل شده یا به محکوم علیه فرصت عادلانه برای اقامه‌ی دعوی داده نشده باشد و نیز رأی، مخالف نظم عمومی طرف متعاقد باشد یا مطابق معیارهای اساسی عدالت نباشد، قابلیت اجرا ندارد.

#### ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱- با الحاق کشور به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، نه تنها مسئولیت ناشی از بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای بهره‌بردار ملی وسیع‌تر و سنگین‌تر از نظام مسئولیت مدنی عام نیست، بلکه بر عکس مسئولیت مدنی هسته‌ای بهره‌بردار نسبت به قواعد عام مسئولیت مدنی کشور سبک‌تر و محدودتر خواهد بود.

۲- در شرایط کنونی اصولاً از بُعد حقوقی هیچ‌گونه حمایت ویژه‌ای از قربانیان حوادث هسته‌ای اعم از جانی، جسمی، مالی و زیست محیطی در قوانین و مقررات کشور دیده نمی‌شود.

۳- باید تلاش شود با عنایت به مفاد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، قانون داخلی کشور با استفاده از منابع فقهی حقوقی داخلی و کنوانسیون مذکور، یک نظام منسجم و کامل مسئولیت مدنی برای جبران خسارت ناشی از فعالیت صلح آمیز هسته‌ای طراحی و ایجاد شود.

۴- از ویژگی‌های خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای آن است که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و در صورت وقوع، علاوه بر

در اینجا مناسب است بیان کنیم برابر مفاد بخشی از مواد ۱ و ۲ کنوانسیون اعلام فوری حوادث هسته‌ای (که کشور ما هم به آن پیوسته است) دولت‌های عضو متعهدند در صورت بروز واقعه‌ی هسته‌ای در تأسیسات تحت نظارت و کنترل و یا صلاحیت خود یا احتمال رخ دادن چنین حوادثی، موارد را فوری و مستقیماً یا از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورهای که متأثر از چنین حوادثی هستند، اطلاع‌رسانی کرده و آنها را از جزئیات حادثه مانند ماهیت، زمان و مکان دقیق محل وقوع حادثه آگاه کنند.

در مورد بند ۳ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای، در مواردی که به موجب بند ۱ یا ۲ این ماده، دادگاه‌های بیش از یک طرف معاهده صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند: اگر بخشی از حادثه‌ی هسته‌ای در بیرون از سرزمین طرف‌های معاهده یا یک طرف متعاقد رخ دهد که دقیقاً قابل تعیین نیست، در این صورت رسیدگی به دعاوی در صلاحیت دادگاه‌های دولت اخیر یعنی محل تأسیسات بهره‌بردار خواهد بود که مسئولیت دارد و در سایر موارد دادگاه‌های طرف متعاقدی صلاحیت رسیدگی دارند که به موجب موافقت‌نامه‌ی فی‌مابین طرفین دادگاه‌های آن براساس بند ۱ و ۲ این ماده، صالح شناخته شده است. یعنی در این صورت کشورها باید با توافق همدیگر دادگاه یک کشور را به عنوان دادگاه صالح تعیین کنند. شایان ذکر است که به موجب ماده‌ی ۱۴ کنوانسیون مورد بحث، مصونیت‌های قضایی براساس قواعد ملی یا حقوقی بین‌الملل در دعاوی مطروحه نزد دادگاه‌های صالح به موجب ماده‌ی ۱۱ جز در مورد اقدامات اجرائی قابل استناد نیست. یعنی اگر مصونیت قضایی را اعم از مرحله‌ی قضاوت و اجرا بدانیم، در قسمت اجرا و اقدامات اجرایی مصونیت وجود دارد.

دادگاهی صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد که حادثه‌ی هسته‌ای در آن روی داده است و این امر موجب می‌شود خواهان‌های متعدد و حتی با ملیت‌های گوناگونی که پس از وقوع یک حادثه هسته‌ای به دادگاه یک کشور مراجعه کنند، با آنان رفتار یکسان و واحد صورت گیرد و در جبران خسارت عادلانه حکم صادر شود. به علاوه، خواننده و به ویژه خواهان در مورد مراجعه به دادگاه صالح سرگردان نباشد. البته این امر با قانون



زیان‌دیدگان پرداخت شود (بین آنان تقسیم شود) و سپس حتی قبل از انقضاء مدت مرور زمان زیان‌دیده دیگری اقامه دعوی کند و بهره‌بردار محکوم شود، الزام بهره‌بردار به اجرای رأی مذکور محل تأمل فراوان دارد.

۱۰- در شرایط کنونی که کشور به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای وین (سال ۱۹۶۳) ملحق نشده است، برای تعیین مسئولیت مدنی بهره‌بردار هسته‌ای می‌توان از قواعد و قوانین داخلی کشور از جمله اتلاف و تسبیب و لاضرر در فقه، اصل ۴۰ قانون اساسی و قانون مدنی راجع به اتلاف و تسبیب و لاضرر (ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی) و به ویژه قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ استفاده کرد. هرچند این قوانین با توجه به ویژگی‌های خسارات ناشی از فعالیت هسته‌ای خصوصاً در آنجا که صبغه‌ی برون مرزی به خود می‌گیرد، پاسخگوی تمامی نیازهای حقوقی کشور نیست و کشور ناگزیر است به کنوانسیون بین الملل مسئولیت مدنی هسته‌ای ملحق شود.

۱۱- در کنوانسیون مورد بحث، امتیازاتی دیده می‌شود از جمله این که در آن مسئولیت مدنی مطلق بهره‌بردار وجود دارد (هرچند این ویژگی به سود زیان‌دیده و شخص ثالث است و بهره‌برداران هسته‌ای تمایلی از این جهت به کنوانسیون مذکور از خود نشان نمی‌دهند)، هدایت و کانالیزه شدن مسئولیت به طرف بهره‌بردار، الزام بهره‌بردار مذکور به تعیین پوشش بیمه‌های تضمین مالی، حمایت مالی دولت از زیان‌دیده با تعیین حداقل (کف) برای بهره‌بردار در قبال هر حادثه‌ی هسته‌ای، عدم تبعیض فی مابین زیان‌دیدگان براساس ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون مزبور، ملیت اقامت یا سکونت در کنوانسیون و قانون ملی هر کشور، نباید سبب امتیاز شود.

۱۲- فعالیت هسته‌ای دولت یا شرکت دولتی از اعمال تصدی‌گری است و حاکمیتی تلقی نمی‌شود تا بهره‌بردار را با استفاده از ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، از پرداخت خسارت معاف کند. به علاوه، اگر حتی مقصر حادثه‌ی هسته‌ای فرد یا افرادی از کارکنان بهره‌بردار دولتی باشند، اصولاً آنان قادر نخواهند بود خسارت گسترده، عمیق و گزاف هسته‌ای را جبران کنند. به این ترتیب باز هم دولت مسئول و جوابگو است، هرچند براساس قواعد عمومی

کارکنان بهره‌بردار، مردم و محیط زیست کشور محل حادثه، ممکن است دامنه‌ی خسارات آن به کشورهای همسایه و حتی دور دست هم سرایت کند که به هر حال بهره‌بردار در قبال آن اصولاً مسئولیت مطلق دارد.

۵- با توجه به اینکه کشور ما از معدود کشورهایی است که با وجود داشتن نیروگاه هسته‌ای قدرت، تاکنون به کنوانسیون‌های بین‌المللی در قبال خسارت هسته‌ای نپیوسته است، برای رعایت مصالح کشور، بهره‌برداران هسته‌ای در جبران خسارت محدود در صورت وقوع حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات اتمی و پرداخت حقوق خسارت‌دیدگان (با اعمال حق شرط‌های موردنظر) تا حدودی کشور ناگزیر است به کنوانسیون مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای بپیوندد و با توجه به فقدان قوانین به روز شده در این زمینه، قبل یا بعد از الحاق، قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای ملی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن را نیز تهیه و تصویب کند.

۶- مسئولیت مدنی هسته‌ای به عنوان زیر شاخه‌ی مسئولیت مدنی، از نوع قهری و غیر قراردادی است که با وجود قواعد و قوانینی برای جبران خسارت زیان‌دیده در این خصوص، این مقررات در شرایط کنونی جهانی، پاسخگوی کافی و وافی نیازهای مقصود نیست.

۷- در میان نظرات فلسفی ارائه شده که جنبه‌ی بین‌المللی هم پیدا کرده است، مسئولیت مطلق بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای، به نظریه‌ی خطر نزدیکتر است. زیرا بهره‌بردار، محیط ویژه و خطرناکی را به وجود آورده و از آن منتفع می‌شود.

۸- در مجموع از کنوانسیون مذکور استفاده می‌شود که اولاً کارکنان بهره‌بردار نیز زیان‌دیده تلقی و به ضرورت مشمول حقوق برداشت ویژه خواهند شد. یعنی نمی‌توان گفت کنوانسیون یاد شده تنها ناظر به شخص ثالث است. ثانیاً شرکت‌های دولتی نیز باید مسئولیت خود را بیمه‌ی مسئولیت مدنی کنند یا دولت (کشور) به نحوی در قبال خسارت هسته‌ای مسئولیت شرکت دولتی بهره‌بردار را تضمین نماید.

۹- ظاهراً به جز حق برداشت ویژه تعیین شده، بهره‌بردار نیروگاه و تأسیسات هسته‌ای و دولت، مازاد بر آن طبق کنوانسیون یاد شده مسئولیتی ندارند و اگر این مبلغ تماماً به



هسته‌ای را داشته باشد. در این راستا خواهان و خواننده از حق تکلیف خود در خصوص دادگاه صلاحیت‌دار آگاهی دارند (حتی اگر خواهان در کشور دیگری اقامت داشته باشد) تاجایی که اگر مکان حادثه هسته‌ای دقیقاً معلوم نباشد، باز هم دادگاه کشوری صلاحیت رسیدگی به دعوی را خواهد داشت که بهره‌بردار هسته‌ای بر آن نظارت و کنترل دارد. به بیان دیگر این امر موجب می‌شود خواهان‌های متعدد حتی با ملیت‌های مختلف به دادگاه یک کشور مراجعه کنند و دادگاه با آنان رفتار یکسانی داشته باشد و مهم‌تر این که دادگاه هنگام رسیدگی و صدور رأی جبران خسارت، عادلانه‌تر مبادرت به صدور حکم کند.

می‌تواند از باب اتلاف و تسبیب و تقصیر و خسارت ناشی از جرم یا سهل‌انگاری به مسبب حادثه، یعنی کارمند خاطی، مراجعه کند.

۱۳- در قیاس حقوق ایران و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در قبال خسارت هسته‌ای، وجوه اشتراک و افتراق دیده می‌شود. مثل اینکه مسئولیت مدنی براساس نظریه‌ی تقصیر و احراز رابطه‌ی سببیت و اثبات تقصیر بهره‌بردار با اصل مسئولیت محض یا مطلق بهره‌بردار در کنوانسیون مذکور، هم‌خوانی ندارد.

۱۴- در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حق تحدید تعهد (حق شرط) پیش‌بینی یا ممنوع نشده است. بنابراین با استفاده از کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات و تنظیم حق شرط (اگرچه کشور ایران به آن ملحق نشده است)، تحت شرایطی کشور ما هم می‌تواند در مسائلی مانند مرور زمان، حق شرط یا اعلامیه‌ی تفسیری اعمال کند.

۱۵- با توجه به نظریه‌ی شورای نگهبان در مورد جاری نشدن مرور زمان در آیین دادرسی مدنی که به موجب آن پس از انقضای مدتی (مثلاً ۱۰ سال و ۲۰ سال) دعوی دیگر در محاکم شنیده نمی‌شود از یک طرف، و پیش‌بینی مرور زمان در بندهای متعدد ماده‌ی ۶ کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای از سوی دیگر، یکی از مسائلی که در قانون مسئولیت مدنی داخلی باید پیش‌بینی شود و یا هنگام الحاق به کنوانسیون، کشور برای خود حق شرط قائل شود، بحث مرور زمان اقامه‌ی دعوی است، اگرچه حق وقتی به وجود می‌آید، اصولاً نباید جز با رضایت ذینفع از میان برود و زیان‌دیده از احقاق حق خویش محروم شود. اما به دلیل ویژگی مسئولیت مدنی هسته‌ای و نگرانی بهره‌بردار و دلایل دیگر، پیش‌بینی مرور زمان همیشه به زیان جامعه و حتی طلبکار نخواهد بود.

۱۶- از موارد جالب و مفید کنوانسیون مورد بحث، پیش‌بینی اصل صلاحیت رسیدگی با دادگاهی که حادثه‌ی هسته‌ای در آن رخ داده است خواهد بود به نحوی که این اصل موجب می‌شود، تنها یک دادگاه در کشور صلاحیت انحصاری بر روی کلیه‌ی پرونده‌ی مرتبط با سانحه‌ی





## پی‌نوشت‌ها

- 1- Vienna convention on civil liability for nuclear damage (1963)
  - ۲- ر.ک فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، برگرفته از مقاله قاعده لاضرر
  - ۳- Special Drawing Rights
- 4- Ukraine law on civil liability for nuclear damage and its financial security
- 5- Finland nuclear liability Act of 8th june 1972 as emended by the Act of 15 september 1989
- ۶- ر.ک: سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران [www.ghavanin.ir](http://www.ghavanin.ir)
- 7- LAW on civil liability for nuclear damage the parliment of romania adopts this law (law no .115/2007)
  - ۸- ر.ک : RC.Majlis.ir
- 9- INDIA the civil liability for nuclear damage act, 2010 (no .38 of 2010).

## مراجع:

- ۱- القواعد الفقهیه، سید حسن بجنوردی، ج ۲، ص ۱۷۲۲
- ۲- قواعد فقه، محقق داماد، سید مصطفی، ج ۱، ص ۱۰۹ - جابری عرب‌لو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، صص ۳۱-۳۲
- ۳- صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۴۶
- ۴- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۱۵۹
- ۵- ابن براج، مهذب، مجموعه ینایع الفقهیه، ج ۲
- ۶- قواعد فقه، محقق داماد، سید مصطفی، ج ۱، ص ۱۱۷
- ۷- مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص ۲۰۳
- ۸- انصاری، مرتضی بن محمدامین، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۴۶۰
- ۹- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، ج ۱، ص ۳۸۱
- ۱۰- نراقی، محمد بن احمد، عوائد الایام، ص ۱۷-۱۸
- ۱۱- دکتر کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، ناشر: دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۲۰
- ۱۲- به نقل از کاتوزیان، دکتر ناصر، همان، ص ۱۲۸
- ۱۳- لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی حقوقی مسئولیت مدنی، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، ص ۳۹
- ۱۴- انصاری، علی، حجت مبین، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی، پژوهش‌های تطبیقی حقوقی، دوره ۱۵، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۹
- ۱۵- ر.ک: کاظمی- شکوفه و محمدحسینی طرقی - مرتضی، ارتباط ۱، ماهنامه داخلی سازمان انرژی اتمی ایران، شماره ۲۵، ص ۲۵
- ۱۶- محمدحسینی طرقی - مرتضی، همان، شهریور ۱۳۸۴، شماره ۱۳، ص ۱۱
- ۱۷- رضایی پیش رباط، دکتر صالح، مسئولیت بین المللی دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۹۳، صص ۲۴۰ و ۲۴۱
- ۱۸- ر.ک: اسکینی، دکتر ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، انتشارات نشر دانش امروز، ۱۳۷۱، صص ۲۵۴ و ۲۵۵
- ۱۹- رجوع کنید به: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، ناشر معاونت حقوقی ریاست جمهوری، سال ۱۳۸۰، ص ۱۳۲۶
- ۲۰- ر.ک: محمدحسینی طرقی، مرتضی، ارتباط ماهنامه داخلی سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۳۸۴، شماره‌های ۹ تا ۲۶



- ۲۱- با دینی و ناظری، اصول ویژه مسئولیت مدنی اتمی در ارتباط با قوانین داخلی، ویژه نامه همایش آشنایی با حقوق هسته ای (راهبرد نو)، نشریه علمی سازمان انرژی اتمی ایران، تابستان ۱۳۹۳، ص ۹۹.
- ۲۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳، از انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۶
- ۲۳- روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۱۱
- ۲۴- نظام حقوقی بین المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته ای، مترجم: دکتر صالح رضایی پیش رباط. ص ۲۷
- ۲۵- ر.ک: محمدحسینی طرّقی، مرتضی، ماهنامه ارتباط، همان، ص ۱۱
- عبداللهی پور، اصول، مبانی و بایسته‌های حقوق هسته‌ای و ضرورت اعمال آن در ساختار حقوق کشور، راهبرد نور (نشریه بسیج علمی سازمان انرژی اتمی ایران) ویژه نامه آشنایی با حقوق هسته‌ای، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵.